

خامنه‌ای مورد سرزنش شدید خمینی قرار گرفت

* خمینی در حمله شدیدی به رئیس جمهور خود، اورابه "عدم شناخت از ولایت مطلقه الهی" متهم کرد

مضای حضور تمام عیار در مناقشاتی است که سرایای حکومت را در بر گرفته است. و درست بهمین دلیل خود اعتراف کرد که، "من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداخته شود و عقیده دارم که در این مواقع، سکوت بهترین طریقه است." حدت مسائل مطروحه و تقابل درون حکومتی، حربه سکوت بهترین طریقه را از دست ولی فقیه گرفت و خود را به میدان همین "مناقشات" نهاد.

شامه خامنه‌ای به خمینی در واقعیت امر بریده دوم ماجرا بود، پیش از آن حادثی به وقوع پیوسته بود که در روشتر شدن قضیه کمک می‌کند. محور اصلی جنگ در خصوص میزبان اختیارات دولت است و اختلاف بر سر این "اختیارات" گرچه سابقه‌ای طولانی دارد، اما می‌توان گفت که کشمکش جدید بقیه در صفحه ۲

جنگ و تقابل و "مناقشات" درون حکومتی که مدتی است وارد مرحله جدیدی شده است، با پاسخ خمینی به نامه صافی دبیر شورای نگهبان و پاسخ شدید اللحن خمینی به رئیس جمهور، فراز جدیدی یافت. خمینی با شکستن "سکوت" خود، بار دیگر پا به عرصه "مناقشات" علنی نهاد. حضور علنی و رسمی خمینی در جنگ و تقابل درون حکومتی، از یکسو در "کمال" بخشیدن به مصاف چنانچه موثر افتاد و از سوی دیگر چون منبعی خود افشاگر عین اختلافات درون حکومتی را متجلی ساخت.

در هفته گذشته خمینی در پاسخ به خامنه‌ای و صافی، مطالبی را عنوان کرد که دقت حول آنها در شناخت و پیش بینی تحولات سیاسی درون حکومتی، ضرورت ویژه‌ای دارد. خمینی خود به خوبی می‌دانست که شکستن سکوت در این "لحظه حساس" به



دوشنبه ۲۱ دی ۱۳۶۶ برابر ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۰

جنگ و بحران خلیج : تحول به کدام سو؟

از هفته اول آذرماه تا هفته نخست دیماه، هر روز به طور متوسط یک نفت کتی یا کنتی باری غیرنظامی در خلیج فارس هدف بمبارانهای هوایی عراق و یا حملات "قایق‌های تندرو" سپاه پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفت. به گفته رئیس شرکت "اینترنشنال مارین سرویسز" که مقر آن در دویبی است و کار آن را کمک رساندن به کشتی‌های آسیب دیده تشکیل می‌دهد، در ماه دسامبر ۱۹۸۷، عراق در هر ۵ روز دوبرابر و جمهوری اسلامی هر دو روز یکبار به اهداف غیرنظامی در خلیج فارس حمله کرده‌اند. در سال ۱۹۸۷ در مجموع ۱۵۵ کشتی غیرنظامی در خلیج فارس هدف حمله قرار گرفته‌اند از آغاز "جنگ نفت کتی‌ها" به ۴۲۰ کشتی حمله شده است. این آمار حاکی از آن است که ماه دسامبر ۱۹۸۷، نقطه اوج "جنگ نفت کتی‌ها" بود. از حیث تلفات و خسارات نیز این ماه صفحه سیاهی را در درگیری‌های خلیج فارس تشکیل می‌دهد. یک موشک اکزوست عراق، نفت کتی سوئگر دم‌تعلق به ایران را به آتش کشید و ۲۱ ملوان آن در این حادثه کشته شدند. نفت کتی ۸۵ هزار تنی "نورمان آتلانتیک" در نزدیکی دویبی مورد حمله جمهوری اسلامی قرار گرفت و غرق شد. نفت کتی ۱۰۲ هزار تنی "آریادنه" نیز در همین منطقه به کلی سوخت. "قایق‌های تندرو" سپاه پاسداران در عرض یک روز دوبرابر به این نفت کتی حمله کرده بودند. بقیه در صفحه ۳

اعتصاب غذا برای دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران



این اعتصاب غذا از روز جمعه (۱۱ دسامبر ۲۰ آذر) در مرکز شهر مالمتو آغاز شد و به مدت سه روز ادامه داشت. این حرکت بازتاب گسترده‌ای در مطبوعات بقیه در صفحه ۹

فدائیان خلق در شهر مالمتو سوئد بخاطر افشای چفایات رژیم جمهوری اسلامی علیه فرزندان اسیر خلق و برای گسترش همبستگی بین المللی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران دست به اعتصاب غذا زدند.

در این شماره

اعتصاب غذای

۴۰ پناهنده ایرانی در فرانسه

در صفحه ۹

اعتراف به ورشکستگی اقتصادی

در صفحه ۵

ارادهٔ خلق فلسطین خلل ناپذیر است

در صفحه آخر

تختی پهلوانی برای همیشه

در صفحه ۶

زحمتکشان ترکمن صحرا، قربانی سیاست‌های ضد مردمی جمهوری اسلامی

صحرا به اهتزاز درآمد. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا تهلور درخشان این جنبش بود. رژیم شد دمکراتیک و ضد خلقی جمهوری اسلامی هراسان از شکوفایی روند تشکیل شوراهای اتحادیه‌های مردمی از همان ابتدا به تقابل با خواستهای زحمتکشان برخاست. اودشمنی کین‌توزانه خود را با راه راه انداختن موج خون در کنبه و گندمزاران ترکمن صحرا به نمایش نهاد. اکنون پس از ۸ سال حاکمیت ارتجاع، ترکمن صحرا چهره دیگری به خود گرفته است. دهقانان، صیادان، زنان، جوانان و دیگر ترکمنان روزهای دشواری را سپری می‌کنند. نظری به ترکمن صحرا گویای این واقعیت دردناک است.

بقیه در صفحه ۷

گزارشی از ترکمن صحرا

با سرنگونی رژیم شاه، تکوفه‌های شادی در قلب زحمتکشان ترکمن به لپخند نشست. آنها چهره خجسته‌رهایی را در آیین انقلاب چستند و از همان اولین روزهای طلوع بهمن، تحت رهبری کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - که به ابتکار فدائیان خلق و روشفکران انقلابی ترکمن صحرا بوجود آمد - نبرد با مقامات بجا مانده از حکومت ستشاهی را ادامه دادند.

زحمتکشان ترکمن دیگر نمی‌خواستند زیر بار ستم طبقاتی و ملی بروند. آنها نمی‌خواستند به فئودالها، زمینداران و چیره‌خواران حکومتی اجازه دهند زمین‌هایشان را غصب کنند و حقوقشان را نکند مال شما یفند. به این علت بود که هرچم جنبش شورایی در شهرها و روستاهای ترکمن

خامنه‌ای مورد سرزنش شدید خمینی قرار گرفت

بقیه از صفحه اول

"در موافق و مقابل لازم در مورد نکته حساسی که ممکن است خلل و تفرقه در جامعه بوجود بیاورد و مردم را متشعب کرده، فتنه ایجاد کند، رهبری باید بداد مردم، انقلاب، جامعه و اسلام برسد."

این است تاپلوی واقعی مذاکشات درون حکومتی، خود افشاکری رژیم اینبار نیز برده را برانداخت تا مردم به وضوح بر تعقی تغلیظ شده بارگاه خلافت نظری بیافکنند. بدیهی است که موقعیت خامنه‌ای شدت لطمه دیده است و این خود می‌تواند بر آتش جنگ و کشتن درون حکومتی فروزانی بخشد. اصل دعوا بر سر اقتصاد است. بنا به فتوای صادره خمینی و نامه‌های توضیحی آن، بحث بر سر این است که دولت اسلامی، بخشی از حکومت اسلامی است و حکومت اسلامی شعبه‌ای از "ولایت مطلقه نبی اکرم" و این دولت اسلامی درگیر جنگ است. درگیر بحران اقتصادی است، یا خطر توفان توده‌ای مواجه است. این حکومت برای تامین هزینه‌های خود احتیاج به ریال و دلار دارد، و این احتیاج الزام است، حتی تا حد زیر ضرب بردن احکام اسلامی و یا ارائه تفاسیر جدید از آن، دولت برای حفظ بارگاه و برج و پاروی خود حکومت نیاز به پول دارد. اما صاحبان رسالت از بازار و فقه سنتی، حاضر به تامین آن نیستند. طرفداران دولت، حریف را به صرف نظر کردن از بخشی از سوده‌های نجومی برای حفظ دراز مدت آن فرامی‌خوانند اما طرفداران غارت لجام گسیخته زحمتکشان، حلوائی نقد را چسبیده اند.

جمیع احکام فرعی الهی تقدم دارد، صحیح نمی‌دانید و اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهی است باید، حکومت الهی ولایت مطلقه نبی اسلام یک پدیده بی‌معنی و بی‌محتوی باشد. اختیارات دولت (که) بنا به تفسیر شما خارج است... باید عرض کنم که یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است... آنچه که تا کنون گفته شده است (منظور تفسیر خامنه‌ای است) ناشی از عدم شناخت از ولایت مطلقه الهی است. شایعه است که مزارع و اجاره و امثال اینها با این اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم فرضا که چنین باشد، این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است که مزاحمت نمی‌کنم. خداوند چنان‌بالی... را در پناه خود حفظ فرماید. (رادیوی دولتی ۱۷ دیماه)

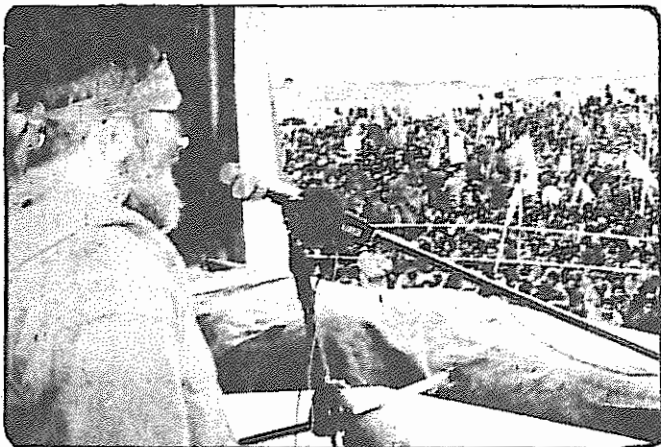
بدین ترتیب خامنه‌ای که مخالفین خود - موافقین اختیارات وسیع دولت اسلامی - را به سو استفاده‌چی و کسانی که به اصول فقهی اسلام آشنائی ندارند، متهم می‌کرد، از جانب خمینی القاب مشابهی دریافت کرد.

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس نیز موقعیت را تشخیص داده و در جلسه علنی روز بعد مجلس با استفاده از سخنان خمینی، تلویحاً به خامنه‌ای حمله کرد. رفسنجانی صراحتاً گفت: "دیگر در آینده به خودمان حق ندیمیم که با طرح عناوین مبهم و متشابه چیزهایی از خودمان به اسلام تحمیل بکنیم." وی که تلویحاً جناح مقابل را انشعاب طلب و فتنه‌گر نامید، گفت:

با شرط‌انزای این امر اجرا کند. بدین ترتیب نه تنها موجبات نگرانی جناح مخالف اختیارات وسیع دولت بر طرف نشد، بلکه خمینی فتوای صادره را مجدداً مورد تأکید قرار داد. بدینال پاسخ خمینی به دبیر شورای نگهبان، "مذاکشات" درون حکومتی تشدید شد و کار به آنجا کشید که خامنه‌ای خطبه اول نماز جمعه (۱۱ دیماه) تهران را به مسئله حدود اختیارات "دولت اسلامی" اختصاص داد. خامنه‌ای در خطبه نماز جمعه به تفسیر فتوای صادره خمینی می‌پردازد و مطرح می‌کند که اختیارات دولت در حد "کنترل و نظارت و مراقبت" بوده است و نه بیش از آن، خامنه‌ای کسانی را که از فتوای صادره خمینی، اختیاراتی بیش از "کنترل و نظارت و مراقبت" برای دولت قائل می‌شدند را، سو استفاده‌چی و شایعه‌پراکن می‌نامد. وی در همین نماز جمعه تصریح می‌کند: "اینها شایعاتی است که آدمهای مغرضی مطرح می‌کنند. امام که فرمودند دولت می‌تواند شرط الزامی بردوش کار فرما بگذارد، این هر شرطی نیست. آن شرطی است که در چارچوب احکام پذیرفته شده اسلام است و نه فراتر از آن. این بسیار نکته مهمی است در پاسخ حضرت امام که چون سؤال کشنده، سؤال می‌کند برخی این طور از فرمایشهای شما استنباط کرده‌اند که می‌شود قوانین اجاره، مضاربه، احکام شرعی و فتاوی پذیرفته شده مسلم را نقض کرد و دولت می‌تواند برخلاف احکام اسلامی شرط بگذارد، امام می‌فرمایند نه، این شایعه است." (کیهان هوایی ۱۶ دیماه)

درون حکومتی بر ساختن دولت به نام شید اللحن خمینی - تا این لحظه - ختم می‌شود، در "یرونده" خود، نامه دبیر شورای نگهبان، سخنان خامنه‌ای در خطبه نخست نماز جمعه (۱۱ دیماه) تهران و نامه خامنه‌ای به خمینی را شامل می‌گردد. در نامه صافی دبیر شورای نگهبان به خمینی تصریح شده است که فتوای خمینی درباره حدود اختیارات دولت که در پاسخ به پرسش وزیر کار صادر شده بود، "موجبات نگرانی" عده‌ای را فراهم ساخته است. در نامه آمده است: "از فتوای صادره از ناحیه حضرتعالی که دولت می‌تواند در ازای استفاده از خدمات و امکانات دولتی و عمومی شروط الزامی مقرر نماید بطور وسیع بعضی اشخاص استظهار نموده‌اند که دولت می‌تواند هر گونه "نظام اجتماعی"، "اقتصادی"، "کار"، "بازرگانی"، "امور شهری"، "کشاورزی" و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصلی و مستقیم اسلام قرار دهد و افعال و تروک میباحه شرعی را تحریم یا الزام نماید... موجب این نگرانی شده است که نظامات اسلام از "مؤاره"، "بجاره"، "تجارت" و سایر روابط بتدریج عملاً متع و درختل تعویض و تغییر قرار بگیرد." (کیهان ۲ دیماه)

چنانکه مشهود است صافی دبیر شورای نگهبان با زیرکی مطرح کرده است که فتوای صادره خمینی موجبات نگرانی را فراهم ساخته و می‌تواند بمتابه حربه‌ای علیه "نظامات اصلی" اسلام مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. خمینی در پاسخ به نامه صافی بطور سر بسته نه تنها از مضمون "فتوای صادره" دفاع کرد، بلکه مخالفین "فتوای صادره" را "استفاده جویان بی‌بندوبار" که شایعه پراکنی می‌کنند، خطاب نمود. خمینی در پاسخ نامه دبیر شورای نگهبان، تصریح کرد: "دولت می‌تواند در تمام مواردی که مردم (بخش خصوصی) استفاده از امکانات و خدمات دولتی می‌کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط، قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است ندارد. بلکه در انتقال که در زمان حکومت اسلامی، امرش با حکومت است، می‌تواند بدون شرط یا

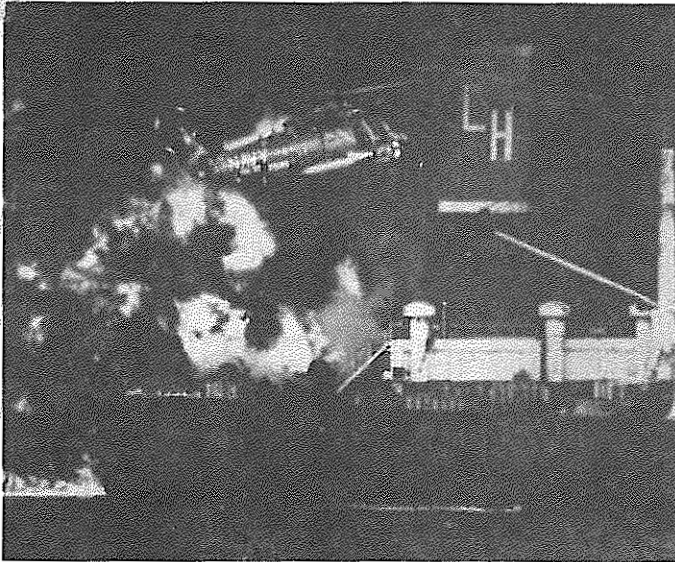


خامنه‌ای با سر بلند "یا حسین" در یکی از سفرهایش برای بسیج جانی و مالی

جنگ و بحران خلیج:

تحول به کدام سو؟

بقیه از صفحه اول



نفت کش عظیم قبرسی "پیروت" پس از حمله "قایق های توپدار" جمهوری اسلامی

امتیاز" معلوم شود و رژیم خمینی به عنوان مسئول اصلی و عامل عمده ادامه جنگ، از میان کشمکش ها و چاره‌جویی‌های داخلی، در برابر درماتندگی فعلی خود واکنش نشان دهد. هنوز زود است که بتوانیم اخبار هفته گذشته را نقطه عطف جدیدی در تحولات جنگ پس از تشدید جنگ نفت کش‌ها در آذرماه بدانیم. تاریخ بیش از هفت‌ساله جنگ از این مقاطع توقف زیاد به خود دیده است، ضمن آنکه باید بیافزاییم اعمال فشار رژیم برای بسیج هر چه بیشتر نیرو و کشاندن انسانها به مسلخ کماکان ادامه دارد و رویدادهایی نظیر حمله هوایی عراق به پالایشگاه تبریز در روز جمعه ۱۸ دی‌ماه نیز نشان می‌دهد شیخ سنگین جنگ همچنان بر فراز دو کشور است ■

در منطقه با شرکت امیرنشین‌های عربی و مصر و حمایت و کمک مستقیم نظامی ایالات متحده است. آینده نشان خواهد داد که تسریع در شکل‌گیری این بلوک با کاهش حضور مستقیم نظامی آمریکا در منطقه همراه خواهد بود یا نه. در حال حاضر این ناوگان برای آمریکا ماهانه ده‌ها میلیون دلار هزینه دارد که این خود مانعی جدی در تلاشهای دولت ریگان برای کاهش کسری بودجه خود است.

ست و سوی تحول اوضاع در رابطه با جنگ و بحران خلیج فارس، تنها زمانی روشن خواهد شد که از ورای برده دودی که جنگ نفت‌کش‌ها ایجاد کرد، روندها با وضوح بیشتری خود را نشان دهند، سرنوشت "جهاد برای

...طبیعی است که اگر از شورای همکاری خلیج فارس نمایندگانی به کشور ما بپایند، ما آمادگی پذیرایی از آنها را داریم." (کیهان ۹ دی) در روز یکشنبه ۱۳ دی‌ماه نیز ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی از پیشنهاد مذاکره شورای همکاری خلیج فارس استقبال کرد و آن را "گامی مثبت" خواند. به نوشته روزنامه سعودی "الشرق الاوسط" قرار است ملاقات میان وزرای جمهوری اسلامی و شش کشور عربی خلیج فارس در دمشق صورت پذیرد.

در هفته گذشته فرانک کارلوچی وزیر دفاع آمریکا از کویت، بحرین و عربستان سعودی دیدار کرد. هدف از این دیدار، مطمئن کردن امیرنشین‌های عربی از ادامه حمایت نظامی ایالات متحده اعلام شد. در حال حاضر در حدود ۲۰ کشتی جنگی آمریکایی در خلیج فارس به سر می‌برند. همزمان با سفر کارلوچی، منابع نزدیک به دولت آمریکا در واشنگتن اعلام کردند برای صرفه‌جویی در هزینه سنگین نگهداری ناوگان آمریکا در خلیج فارس، ناو هلی‌کوپتربر اوکیناوا و ژمنائوآیوا از منطقه فراخوانده خواهند شد. کارلوچی در برنامه پایتخت بحرین تلویحا این خبر را تایید کرد و از "تجدید سازماندهی" ناوگان آمریکا سخن گفت.

ناظران اظهار عقیده کرده‌اند هدف کارلوچی از سفر به منطقه، زدودن نگرانی‌های احتمالی کشورهای عربی خلیج فارس در صورت کاهش شمار کشتی‌های جنگی آمریکا در خلیج و مذاکره درباره نزدیک‌تر کردن همکاری نظامی با این کشورها بوده است.

در روز شنبه ۱۹ دی‌ماه، حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر دیدار خود را از کشورهای منطقه آغاز کرد. وی در جریان این سفر از عربستان سعودی، کویت، امارت متحده عربی، بحرین و عمان دیدار خواهد کرد. مقامات مصری اعلام کرده‌اند این کشور برای حمایت از امیرنشین‌های عربی، تسلیحات و تکنولوژی نظامی در اختیار آنها خواهد گذاشت.

سفر کارلوچی و مبارک به منطقه نشانگر آغاز تلاشهایی برای شکل‌گیری یک بلوک بومی نظامی طرفدار آمریکا

برای نخستین بار در سال ۱۹۸۸، در روز یکشنبه ۳ ژانویه (۱۳ دی) کشتی باری "آلکا" که پرچم مالیت را حمل می‌کند، مورد اصابت یک موشک قرار گرفت. خبرگزاریها به نقل از ناخدا، کشتی گزارش دادند این حمله احتمالا اشتباه نیروی هوایی عراق بوده است. از این حمله که یکدریم، بیش از دو هفته است که "جنگ نفت‌کش‌ها" در خلیج متوقف شده است. در هفته گذشته خبرگزاری‌های غربی از دمشق و ریاض گزارش دادند که این توقف حملات در خلیج فارس، نتیجه تلاشهای دیپلماتیک سوریه و عربستان سعودی است. این گزارش‌ها حاکی از آن است که منابع سفارت عربستان در دمشق گفته‌اند ریاض و سایر اعضای شورای همکاری خلیج، توانسته‌اند عراق را متقاعد کنند حملات هوایی به نفت‌کش‌های حامل نفت ایران را متوقف سازد و در مقابل، جمهوری اسلامی با درخواست سوریه برای قطع حملات به کشتی‌ها موافقت کرده است. همین گزارش‌ها می‌افزاید جمهوری اسلامی به درخواست سوریه از انجام یک حمله بزرگ در چپه بصره در آینده نزدیک چشم پوشیده است. طبق این گزارش‌ها، دیپلماتهای عرب در دمشق گفته‌اند هدف از این درخواست، ایجاد مهلت و فرصت لازم تا زمان تشکیل اجلاس وزرای خارجه جمهوری اسلامی و شش کشور عربی کرانه خلیج فارس بوده است. در هفته گذشته عبدالحمید خدام معاون رئیس‌جمهور و فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه برای آگاه کردن مقامات کشورهای عربی کرانه خلیج فارس از موفقیت دیپلماتیک سوریه، به چند امیرنشین عربی سفر کردند.

پیشنهاد تشکیل اجلاس مشترک وزرای خارجه شورای همکاری خلیج و جمهوری اسلامی، برای نخستین بار در کنفرانس سران کشورهای عربی خلیج فارس در ریاض مطرح شد. بدنبال ارائه این پیشنهاد، موسوی نخست‌وزیر رژیم در روز ۹ دی‌ماه در مورد تصمیم شورای همکاری خلیج برای اعزام نماینده‌ای به ایران برای مذاکره در مورد جنگ گفت: "در این زمینه گفتگوهایی انجام گرفته و پیمان‌هایی داده شده است.



بیکرهای ازهم دریده سربازان ایرانی پس از تویک بمباران هوایی. هفتیان چنایتکار اگر امکان بپایند بازهم از این صحنه‌ها خواهند آفرید. عکس را یکی از رفقای فدایی از چپه بر ایمان ارسال داشته است.

بازرسی سراسری



مبادی ورودی و خروجی شهرها... یکایک مسافرین باید به سئوالات آنان پاسخ بدهند، چند سال دارند. مبادی مقصدشان کجاست، شغل و تحصیلاتشان چیست، محل سکونتشان کجاست والی آخر. همه این سئوالات با این بیان که برای پرشماره ریوی و رفع مشکلات حمل و نقل و ترابری ضروری است، صورت می گیرد. عکس فوق صفحه ای از چاده های کشور و فعالیت مأمورین در این زمینه را نشان می دهد.

هدف، آمارگیری حمل و نقل چاده ای اعلام شده است. اتوبوس، مینی بوس، کامیون، سواری، شخصی و هر وسیله نقلیه ای که در چاده های سراسر کشور در حال تردد است، بایستی بلافاصله با دیدن مأموران "آمارگیر" توقف کند و به پرسشهای آنان پاسخ دهد.

مأمورین در فواصل مختلف چاده ها توزیع شده اند. در پمپ بنزینها، ایستگاههای پلیس راه،

مصاحبه رفسنجانی با گز ارشگر
شبهه تلویزیونی ان.بی.سی آمریکا

مذاکره مستقیم مسئولان جمهوری اسلامی با مقامات آمریکایی، حضور نارگان آمریکا در خلیج فارس، جنگ ایران و عراق، تولید سلاحهای شیمیایی، و صیقلنامه خمینی و جانشین وی... بخشی از مسایلی بودند که در مصاحبه هاشمی رفسنجانی با "هنری جمب" خبرنگار شبکه تلویزیونی ان.بی.سی آمریکا مطرح شدند. مشروح این مصاحبه روز شنبه ۸ دی ماه از شبکه ان.بی.سی آمریکا، پخش شد.

رفسنجانی در مورد جانشین خمینی و تعیین آن در صیقلنامه اخیر وی گفت: "از محتوای صیقلنامه ایشان هیچ کس جز خودش اطلاع ندارد. جانشین ایشان همانطور که اعلام شده است آیت الله العظمی منتظری هستند که هم از طرف مردم مورد قبول هستند و هم مجلس خبرگان ایشان را انتخاب کرده است. در آن مورد هیچ تردید، نیست. صیقلنامه نمی تواند مربوط به تعیین جانشین باشد چون جانشین راه دیگری دارد و مربوط به رهبری نیست". وی توضیحی پیرامون علت تغییر صیقلنامه خمینی نداد.

در مورد سلاحهای شیمیایی گزارشگران ان.بی.سی سوال کرد: "روز گذشته از آقای موسوی نخست وزیر شنیدیم که ایران حتی سلاحهای شیمیایی تولید نمی کند؟ آیا این حقیقت دارد؟ رفسنجانی در پاسخ گفت: "بله حقیقت دارد. البته ماهه نیازها، خودمان را تولید نمی کنیم..."

رئیس مجلس اسلامی در بخش پایانی مصاحبه خود، در پاسخ به پیشنهاد خبرگزاری ان.بی.سی مبنی بر اینکه او، با یکی از مقامات ارشد آمریکا سر یک میز بنشینند و مذاکره کند، اظهار کرد: "اگر آنها (مقامات آمریکا) حسن نیت نشان دادند، ما این کار را خواهیم کرد."

مذاکرات با ترکیه

در مورد خط لوله نفت و گاز

رویتر گزارش داد جمهوری اسلامی سرگرم مذاکره با ترکیه برای ساختن یک خط لوله نفتی تا کرانه دریای سیاه است. این خبرگزاری به نقل از منابع آگاه نفتی در آنکارا اعلام کرد مذاکرات مربوطه در آینده نزدیک به پایان خواهد رسید. در صورت توافق طرفین، یک خط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری، نفت خوزستان را به بند ترابوزان ترکیه در سواحل دریای سیاه منتقل خواهد کرد.

در حالیکه پروژه خط لوله نفت به مرحله احداث نزدیک می شود، پیشنهاد دیگر جمهوری اسلامی در مورد ساختمان خط لوله گاز و سرمایه گذاری مشترک دو کشور در احداث نیروگاههای گاز، در امتداد مرزها تا کنون مورد استقبال دولت آنکارا قرار نگرفته است. ترکیه اعلام کرده است تنها حاضر به خرید گاز از جمهوری اسلامی و فروش انرژی برق به ایران است بر اساس طرح پیشنهادی ترکیه، نیروگاههای گاز توسط ترکیه مستقلاً و در خاک این کشور احداث می شوند و ایران تنها خریدار انرژی برق خواهد بود.

منتظری: دو پایه فقر معضات اگر به مجلس بروند ضروری برای نظام نداد

برخی نمایندگان مجلس مطرح کرده است که پاسخ وی برای وزارت کشور لازم الاجراست. محتشمی اضافه کرد: طبق آئین نامه، ثبت نام از روز ۱۹ اسفند آغاز می شود و اطلبان نمایندگان مجلس در مدت یک هفته از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات توسط وزارت کشور بایستی به فرمانداریها و بخشداریهها مراجعه کرده و با پرکردن پرسشنامه اعلام داوطلبی بکنند. بنا به اظهارات محتشمی، داوطلبان باید یک ماه پیش از ثبت نام از شغل خود استعفا بدهند. آخرین مهلت برای استعفا "اثنه جمعه" سراسر کشور تا روز ۱۹ آذر ماه بود.

وزیر کشور در ادامه سخنان خود افزود: همزمان با انتخابات مجلس، انتخابات میان دوره ای مجلس خبرگان در استانهای اصفهان، خراسان اینم و خوزستان نیز برگزار می شود. رحمانی، مسئول بسیج پاسداران، به عنوان مسئول هیات مرکزی بازرسی تعیین شده است.

بنا بر آئین نامه وزارت کشور و دستور العمل خمینی فعالیت تبلیغاتی تا پایان ثبت نام و اعلام نظر شورای نگهبان و وزارت کشور ممنوع است. اما ازم اکنون فعالیت های تبلیغاتی تحت پوشش برگزاری سمینار و غیره آغاز شده است. نماینده صومعه سرا در مجلس در مورد برگزار کنندگان این سمینارها گفت: "گروه ها و سازمانهایی که قصد تبلیغ برای کاندیداهای خود را دارند به بهانه برگزاری سمینار ویا سخنرانی و یادعوت از افراد شناخته شده در این سمینارها و اجتماعات، سعی در خراب کردن جریان مقابل به صورت پاسخ به سئوالهای پیش ساخته شده باند خود نمایند." ◀

روز جمعه هفته گذشته، منتظری در دیدار با اعضای "شورای نگهبان" و مسئولین هیات نظارت بر انتخابات سومین دوره مجلس اسلامی، طی سخنانی ضمن حمایت از پاسخ خمینی در قبالت اظهارات خامنه ای و تاکید بر پیروی همه مسئولین و "مجتهدین" از "ولایت فقیه"، به ایراد مطالبی پیرامون انتخابات پرداخت. وی خطاب به اعضای هیات نظارت بر انتخابات متذکر شد که اگر در انتخابات مجلس "دو پایه فقر که موافق نیستند، انتخاب شوند ضروری برای نظام نداد" و به همین سبب، "اشتهاق" به عنوان "سوژه ای برای تبلیغات مخالفین نمی شود". منتظری گفت به افراد و احزابی که به اسلام و رهبری معتقد باشند و قصد سرتکونی رژیم رانداشته باشند اجازه فعالیت انتخاباتی داده شود. از سوی نماینده سبزوار پیشنهاد شده بود که بر شرایط فوق، پیروی کاندیداها از "فقه سنتی و عدم مخالفت با نخست وزیر و دولت مورد تایید خمینی" نیز افزوده شود.

در پی اظهارات منتظری، وزیر کشور با شرکت در مصاحبه ای رادیویی در زمینه فعالیت "انجمنها" و "احزاب" در انتخابات توضیح داد: همانطور که پارما اعلام شده به هر کس که از نظر نظام و شورای نگهبان تایید شود می توان رای داد. این فرد هر کس که می خواهد باشد. گروه ها، دستجاتی که مورد تایید هستند، سازمانها و انجمنها و احیانا بعضی از احزاب، مثل بقیه می توانند رای داده فعالیت داشته باشند.

وزیر کشور در مورد آئین نامه انتخابات گفت: یک رشته از موارد را قانون مشخص کرده و یک رشته را خمینی در پاسخ به دبیر خانه ائمه جمعه و

بحران اقتصادی کشور به نحوی دم افزون، همه عرصه های اقتصاد کشور را دربرمی گیرد. این بحران، کارکرد اقتصادی را فلج کرده و رشد اقتصادی را کاملاً متوقف ساخته است. شاخص اصلی و عامل نخست دور جدید بحران اقتصادی کشور، بحران ارزی است که از اواخر سال ۶۲ رخ نمود و در سالهای پس از آن به اوج خود رسید. اقتصاد تک محصولی و عمیقاً وابسته کشور به "ارز" که اساس ارزناشی از صادرات نفتی است - بدون نبال کاهش بهای نفت و متعاقب آن کاهش نرخ برابری دلار در قبال سایر ارزهای قوی، به شدت آسیب دید و شیرازه اش کسینت طرحهای دولت برای تأمین ارز مورد نیاز از طریق افزایش صادرات غیرنفتی نیز عملاً ره به جایی نبرد و مشکل ارزی کاملاً لاینحل باقی ماند. درآمد ارزی فوق العاده سال ۶۲ - ۶۱ که چون میوه یرحلاوتی باب تلذذ حکومتیان و فراهم ساخته بود و به واردات عظیم ۲۲ میلیارد دلاری انجامیده بود، آنچنان به سرعت رویه کاهش نهاد که به سختی پس از چیران "هزینه های ارزی" جنگ، چیزی در بیت المال ارزی رژیم می ماند. این چنین شد که جز عرصه جنگ که مورد توجه ویژه

حکومت بود و هست، اساک غلبی و صرفه چویی اکید بر همه بخشهای اقتصادی کشور حاکم گردید. ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی، تاکنون از زوایای مختلف و متنوع مورد بررسی قرار گرفته است.

اعتراف به ورشکستگی اقتصادی

اما آنچه به این موضوع تازگی می بخشد، همانا اظهارات میر حسین موسوی نخست وزیر در جمع خبرنگاران در روز ۹ دیماه است. موسوی طی این سخنان، ضمن ستایش از ورشکستگی اقتصادی به دفاع از کارنامه دولت می پردازد، اما ستایش از ورشکستگی اقتصادی و ستایش از خود اعتراف به ورشکستگی اقتصادی است. موسوی می گوید تا تبلیغات "مخالفین" حکومتی خود را خنثی سازد، چه مخالفین دولت موسوی تاکنون بارها بر بستر ورشکستگی اقتصادی به جنگ سیاسی علیه کارکرد جاری دولت پرداخته و ورشکستگی اقتصادی را نتیجه همین کارکرد جاری دولت، نتیجه بی لیاقتی دولت معرفی کرده اند. موسوی و دیگر حکومتیان که قادر به لاپوتانی بحران اقتصادی شدید کشور نیستند، می گویند ضمن اعتراف به آن، آنرا مورد ستایش قرار داده و به مثابه "برکت الهی" معرفی نمایند.

اروی از ۴۶۰ دلار در سال ۶۲ به ۱۱۰ دلار در حال حاضر کاهش یافته که همین ۱۱۰ دلار هم به لحاظ ارزش، ۵۵ دلار بیشتر ارزش ندارد. بدین ترتیب به لحاظ ارزش درآمد ارزی سرانه فعلی کشور کمتر از یک هتتم درآمد ارزی سال ۶۲ می باشد. از سوی دیگر با احتساب ۴۸ میلیون نفر جمعیت کشور، کل درآمد ارزی کشور در سال ۶۶، اندکی بیش از ۵ میلیارد دلار بوده است، که قوه خرید این ۵ میلیارد دلار به واسطه کاهش نرخ برابری دلار و بنایه اعتراف خود موسوی بیش از ۲/۵ میلیارد دلار نبوده و این در مقام مقایسه با واردات ۲۲ میلیارد دلاری ۶۲، عمق ورشکستگی اقتصادی کشور را تصویر می کند. دو سال پیش تقی خامنه ای - از مخالفین حکومتی دولت موسوی - در نشست اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن به کاهش درآمد ارزی شدید کشور اشاره کرده بود، در آن هنگام زرادخانه تبلیغاتی رژیم علیه افشای این "اسرار اقتصادی" بکار افتاد، اینک موسوی ضمن ستایش از "تأثیرات مثبت" این ورشکستگی اقتصادی، مجدداً به درماندگی و افلاس مالی کشور اعتراف می کند.

از رویدادهای ایران

بحران در بازار نفت

با وجود آنکه پیش از یکماه از اجلاس اوپک و انتشار بیانیه آن مبنی بر عدم افزایش بهای نفت، نگذاشته است، اخبار منتشره حاکی از تحولات جدید در بازار جهانی نفت است. به گزارش مطبوعات بریتانیا، روز پنجشنبه هفته گذشته بهای نفت خام برنت دریای شمال به طور غیرمترقبه ای، کاهش یافت و از بیشک ای ۱۸ دلار به ۱۴/۵ دلار سقوط کرد.

ریلواتولفمن وزیر نفت نیجریه و رئیس اوپک در مصاحبه با روزنامه "ایندپندنت" چاپ لندن، واکنش بازار نفت در مقابل توافق جدید اوپک را "دیوانه وار" خواند. وزیر انرژی و نژوئلا در کاراس اظهار کرد که "پیمان منعقد اوپک در اجلاس وین ثبات مورد نیاز بازار را فراهم نخواهد کرد. بنا به ارزیابی وی، طی ۳ یا ۴ ماه آینده بحران دیگری در بازار نفت بروز خواهد کرد که دلیل آن نض قوانین مربوط به سهمیه تولید اوپک است.

به گزارش رویتر، هفته گذشته "عبدالرحمان راملی" رئیس کمیته دولتی نفت اندونزی، از طرف دولت اندونزی، به اوپک هشدار داد که در صورت تقلب و تخلف و عدم رعایت مفاد توافق توسط اعضا، اندونزی نیز خود را به مراعات موافقتنامه اخیر اوپک - مبنی بر قیمت ۱۸ دلار در هر بشکه و سقف تولید ۱۵/۰۶ میلیون در روز - معقد نخواهد کرد. وزیر نفت اندونزی هشدار داد چاکارتا، تصمیم گرفته است در صورت نض مفاد پیمان وین از سوی اعضا، خود را از

تعهدات اوپک آزاد سازد.

در اجلاس وین پیش بینی شده است چنانچه تحول تازه و مهمی در بازار رخ دهد اجلاس فوق العاده اوپک برای بررسی موضوع برگزار می شود. آقا زاده هفته گذشته طی مصاحبه ای رادیویی دعوت به تشکیل اجلاس فوق العاده را غیر ضروری دانست. و تحریم خرید نفت ایران از سوی ژاپن را نیز تایید نکرد اما روزنامه کیهان ۹ دی به نقل از خبرگزاری فرانسه نوشت، شرکت های ژاپنی تصمیم گرفتند واردات نفت خود از ایران را در سال ۱۹۸۸ به ۴۱ درصد کاهش دهند. تصمیم مزبور توسط شرکت های ژاپنی و ژانس سوخت و ذخایر ژاپن اتخاذ شده است. صادرات ایران به ژاپن روزانه بیش از ۲۰۰ هزار بشکه بود.

۷ کودک یک روستای ساری بر اثر انفجار خمپاره کشته شدند

۷ کودک خردسال روستای "آبندان سر" شهرستان ساری با انفجار بمبی که در محل باؤی آنها کار گذاشته شده بود کشته شدند. به نوشته روزنامه کیهان سوم دیماه، بمب موهور که بصورت تله انفجاری با گلوله چهاره ۸۱ میلیمتری ساخته شده بود در محل باؤی کودکان آبندان سر کار گذاشته شده بود.

مطابق گزارش روزنامه کیهان، پیش از وقوع این جنایت فاجعه بار، بین اهالی روستای آبندان کش، روستای مجاور محل قتل کودکان خردسال، درگیری شدیدی با مأمورین محلی جمهوری اسلامی رخ داده و وعده ای از روستائیان توسط مأمورین

دستگیر شده بودند. علت درگیری روستائیان، اعتراض آنان به مفاد حکمی بوده است که از طرف مقامات قضایی محلی پیرامون نحوه آبیاری و استفاده از آب موجود محل برای کشاورزی صادر شده بود.

اخراج ایرانیان اشغال کننده سفارت جمهوری اسلامی از ترویز

هفته گذشته در ترویز اعلام شد دولت این کشور تصمیم گرفته است ۸ تن از ۱۱ نفر ایرانی را که برای اعتراض و ابراز مخالفت با رژیم خمینی در ساختمان رژیم اسلامی ایران در اسلو، مستقر شده بودند از آن کشور اخراج کند. خبرگزاری رویتر به نقل از پلیس ترویز گزارش داد این عده، به محل سکونت قبلی شان در کشورهای اروپا، غربی برگردانده خواهند شد. ۳ تن دیگر نیز، از ترویز تقاضای پناهندگی سیاسی کرده اند و تا پایان رسیدگی به تقاضایان در ترویز خواهند بود.

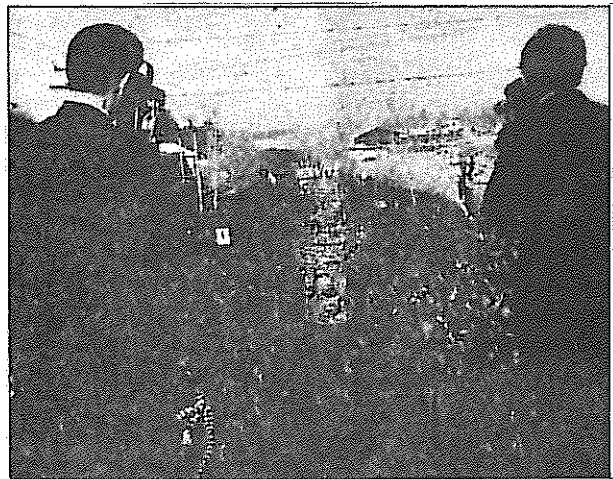
افراد مزبور به اتهام اشغال ساختمان سفارت، از طرف دولت ترویز به ۶ ماه زندان محکوم شده بودند. همه آنها موادار سازمان چریکیها، فدایی خلق ایران هستند که چند ماه پیش در اعتراض به رژیم سرکوبگر خمینی و ارسال اسلحه از سوی دولت امپریالیستی به ایران، ساختمان سفارت را به اشغال خود درآوردند و از این طریق دست به افشاکری علیه سیاست ها، ضد بشری جمهوری اسلامی زدند. اشغال ساختمان سفارت اگرچه چندان به طول نیاچامید اما در سطح وسیعی در مطبوعات و افکار عمومی بازتاب یافت.

به مناسبت هفدهم دیماه روز شهادت تختی

تختی پهلوانی برای همیشه



او خود کله‌شکنی و بسیاری دیگر بخصایل انسانی تختی، مغرور هم الهام بخش و روشنگران و جوانان در اجتماع در صفحه و روش است.



دیماه ۱۳۶۶، هزاران نفر در مراسم شب هفت درگذشت تختی در کرستان این پاپویه گرد آمده‌اند تا حالبه قهرمان جوییش را کرامی دارند و چنایات رژیم پهلوی را افشاگر باشند.

حمل کردند. در این روایتین شعارهای مردم علیه شاه و ساواک تهران را به لرزه در آورده بود. آنها فریاد می‌زدند "زحمتکشان بداندید تختی شهید گشته".

تختی بچه خافی آباد تهران بود. او میان زحمتکشان برخاسته بود و تا آخرین روزهای عمر خود فیوض عشق آفتاب راه دل داشت. او در روزهای اوج نونگدی ورزشی خود همچنان در راه آرمانهای زحمتکشان و مردمی که او میان آفتاب برخاسته بود، مبارزه می‌کرد. ورزش و میدانیهای ورزشی برای تختی عرصه‌ای او مبارزه علیه شاه بود. در میدانیهای دانشجویی و جهانی، ورزش ایران را بر آورده ساخت اما هرگز حاضر نشد در نمایش‌ها و برنامه‌های تبلیغی شاه که برای کسب اعتبار رژیم خود به راه می‌انداخت، حاضر شود. شاه سرنگون شد اما خاطره دل‌ورزها و عشق تختی به مردم به آرمانهای مردمی پایدار ماند. مردم دوستی، پاکبختی، شجاعت و

روزی ۱۷ دیماه، بیستمین سالگشت شهادت جهان پهلوان قلامر جاتختی به دست مزدوران رژیم سفاک ستم شاهی است. ساواک شاه دردی ماه سال ۴۶، تختی را چنایتکارانه به قتل رساند. در هراس از خشم و کینه مردم، رویتنامه‌ها و رسانه‌های تبلیغی رژیم شاه اعلام کردند که "تختی خودکشی کرده است"، اما این باوه‌ها را مردم باور نداشتند و دانستند که جهان پهلوان بخاطر مقاومت و مبارزه تسلیم ناپذیر خود در مقابل زورگویی و بیدادگریهای رژیم شاه گشته شده است. مردم برای نشان دادن عشق خود به تختی و کینه و نفرتشان علیه رژیم، علیرقم دسیسه‌های ماموران ساواک، مراسم باشکوهی را برای تشییع جنازه وی ترتیب دادند. هزاران نفر از زحمتکشان و دانشجویان و روشنگران، در تهران، بادست کشیدن لوکار، تابوت وی را روی دوش خود تا این بابریه

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران بمناسبت روز ورزش

برای اصلاحات دمکراتیک در دستگاه ورزش مبارزه کنیم!

شما بندگان خود را برگزینند. انتخاب مسئولین برنامه‌ریزی و تنظیم تقویم‌های ورزشی، چگونگی مصرف بودجه فدراسیونها سازماندهی مسابقات داخلی و خارجی باید زیر نظارت این شوراها انجام گیرد. تشکیل این شوراها در تمام سطوح و برعهده گرفتن اختیارات عملی از سوی آنها نخستین گام در جهت حل بحران ویرانگری است که ورزش ما را به ناپودی تهدید می‌کند.

رژیم خمینی، در برابر کوچکترین بهبود در دستگاه ورزش کشور سرسختانه مقاومت و هر اعتراضی را بی‌رحمانه سرکوب می‌کند. برای مقابله با چوختنناق و سرکوب ویرانگری ایجاد تغییرات به سود حل بحران ورزش باید مبارزه روشنگران و ورزش‌دوستان هر چه یکبارچه‌تر شده و با مبارزه توده‌ای پیوند یابد. مبارزه جامعه ورزشی ایران برای نامین دمکراسی در دستگاه ورزش کشور جدا از مبارزه در راه آزادی و دمکراسی در همه شئون اجتماع، یعنی شرکت فعالانه در مبارزات کارگران، زحمتکشان و جوانان در راه صلح، آزادی و سرنوشتی رژیم نیست.

میادین ورزشی ایران در چندساله گذشته، از فعالترین مراکز مبارزه علیه رژیم بوده‌اند. جوانان ورزش دوست و روشنگران و پهلوانان با اعتراضات و تظاهرات بی‌شمار خود ضربات موفقی بر پیکر رژیم فرود آورده‌اند. جامعه ورزشی بدلیل استقبال توده‌ای جوانان او ورزش و به دلیل تماسهای گسترده بین‌المللی از امکانات بسیار مساعدتری برای تشدید این مبارزه برخوردار است. گسترش مبارزه، به هراشد آزه، او هر راه و هر طریق شریف‌ترین و مقدس‌ترین وظیفه‌ای است که در مقابل روشنگران میهن دوست قرار دارد.

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران

دیماه ۱۳۶۶

اوضاع نابسامان، سردرگمی و فساد تربیت بدنی، چاپچایی مکرر مسئولین فدراسیون‌ها، انزوای روزافزون در عرصه‌های بین‌المللی، شکست‌های بی‌دریی تشدید محیط ضد دمکراتیک و محروم کردن بیش از پیش روشنگران، از دخالت در دستگاه تربیت بدنی، نتایج بحرانی است که ورزش ایران را به آستانه ناپودی کشانده است. دشمنی رژیم با فعالیت‌های ورزشی ادامه جنگ که همه برده‌چگونگی را می‌بلعد، ترس رژیم از بروز اعتراضات در محیط‌های ورزشی و کوشش‌های آن در جهت محدودیت بیش از پیش مسابقات دلایل عمده‌ای است که ورزش ایران را به وضعیت کنونی دچار ساخته است.

گسترش فزاینده اعتراضات جوانان، روشنگران، مربیان و همه دست‌اندرکاران دلسوز جامعه ورزشی ایران، که دامنه آن حتی به روزنامه‌های سانسور شده رژیم نیز کشیده است، نشانه آن است که ورزش دوستان و روشنگران نمی‌خواهند به این وضع اسف‌بار تسلیم شوند و به دنبال چاره برای نجات ورزش کهن سال و پر افتخار ایران از جنگال ولایت فقیه می‌گردند.

سازمان جوانان پیشگام ایران یک‌بار دیگر همه جوانان و ورزش‌دوستان را به تشدید مبارزه موثر برای رهانیدن ورزش از اوضاع اسف‌بار فعلی و برای گسترش و باورساختن فعالیت‌های ورزشی فرا می‌خواند.

راه نجات ورزش در درجه اول، رهانیدن دستگاه ورزش کشور از جنگ دستگاه مرتجع آخوندی و مشارکت فعالانه روشنگران و صاحب‌نظران امور ورزشی در اداره امور است. ورزش کشور باید از غل و ونجیر ارتجاعی "مکتب" آزاد شود. عمال رژیم باید از فدراسیونها تصفیه شوند و اداره امور دستگاه‌های ورزشی به شورای عالی مرکب از خود روشنگران و صاحب‌نظران دلسوز ورزشی سپرده شود. روشنگران باید آزاد باشند تا بدون دخالت مامورین رژیم

زحمتکشان ترکمن صحرا

قربانی سیاست‌های ضد مردمی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

" زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" این شعار اساسی بر تارک آرزوی دیرینه دهقانان زحمتکش ترکمن می‌درخشد. برای تحقیر بخشیدن به این آرزو آنها زمین‌های زمینداران بزرگ و وابستگان به رژیم شاه منجمله امرای ارتش شاهنشاهی را مصادره کردند و تا پایان ۵۸ در نزدیکی به ۴۰ روستا شوراهای خود را جهت اداره کشت جمعی و حفظ آنها تشکیل دادند. رژیم خمینی بتدریج وبا تحکیم موقعیت خود کمر به سرکوب دهقانان و نابودی شوراهای آنان بست. پارادیکس سررکله فئودالها و زمینداران بزرگ در منطقه پیدا شد. آنها باتکیه بر سرنیزه پاسداران و ژاندارمها و به استناد احکام صادره از سوی حاکم شرع به روستاها رفته خواهان استرداد زمینهای مصادره‌ای می‌شوند، اما دهقانان علیرغم شرایط دشواری که برایشان ایجاد شده، در برابر این زورگویی‌ها می‌ایستند.

جمهوری اسلامی زمینهای دهقانان را برای زمینداران بزرگ می‌خواهد و جان آخان و جوانان نشان را برای شعله‌ور نگهداشتن آتش جنگ. این سیاست چغاییتکارانه، کشاورزان را در چنگ فقر و گرسنگی و مرگ گرفتار کرده است. ماچرای قربان فقیری (قربان برقی) یک کشاورز سیستمی ساکن روستای سلاق یلغی تنها یک نمونه‌ای آن است.

روستای سلاق یلغی در مجاورت روستای کامیشلی یلغی آق‌کلا، محل زندگی و کار عده‌ای از کشاورزان سیستمی است که در دوران رژیم گذشته اکثر آنها در جستجوی کار به ترکمن صحرا آمده بودند و زمینداران بزرگ در ازای پرداخت مزد بسیار کم، از آنها برای کار در مزارع بهره‌کشی می‌کردند. پس از

انقلاب، کشاورزان با کم‌کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا زمین‌های فئودال معروف فروزانفر در سلاق یلغی را مصادره کردند و به کشت بر روی این زمین‌ها پرداختند. قربان فقیری کشاورز زحمتکشی بود که پس از سال‌ها کار و زحمت در این روستا، توانسته بود پولی برای ساختن یک سرپناه تهیه کند. پس از آنکه او چهار دیواری آن را ساخت برای تهیه حلب و تخته به ارگانهای محلی رژیم مراجعه کرده، مصالح مورد نیاز را تقاضا نمود. مسئولین این ارگانها تحویل حلب و تخته مشروط به رفتن وی به چپه کردند. او هم علیرغم میل خود ناچاراً به چپه رفت تا پس از بازگشت مصالح را گرفته و بعد از عمر، تلاش برای خود و خانواده‌اش خانه‌ای تهیه کند. قربان به چپه رفت. اما بعد از مدتی چنانچه از کشاورز زحمتکشی را برای زن و بچه‌اش بازگرداندند.

از زمانیکه سید مامی از سوی جمهوری اسلامی ممنوع اعلام شد، شرایط زندگی صیادان که مدتی پس از انقلاب با کم‌ک و هدایت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن موفق به کسب برخی از خواسته‌هایشان شده بودند، بارنچ و مشقت روز افزونی توأم گشت. عده‌ای از صیادان نتوانستند با مشکلات فراوان عضو تعاونی‌های غاراتور شوند. این تعاونی‌ها متشکل از دسته‌هایی از صیادان است که محصول خود را بر اساس نرخ‌گذاری شیلات به آن می‌فروشند. مسئولین ارگانهای محلی حکومت همواره کوشیده‌اند این تعاونی‌ها را به تعطیل بکشانند. تا آنجا که مقدور باشد، تعاونی‌ها را می‌چاپند. در حال حاضر از هر بار صید تعاونی‌های موجود، درصدی به هزینه‌های جنگ تعلق می‌گیرد. ایادی حکومتی در

عین حال توسط عده‌ای اوباش اقدام به دزدی، وسایل صید و قایق‌های تعاونیها می‌کنند. با اینهمه فشارها و ترفندهای رژیم نتوانسته است اراده صیادان را در ادامه کار در تعاونی‌ها و حفظ آنها، درهم شکند. هم اکنون دربند ترکمن تعاونی صیادان مجبور است محصول صید خود را به بهای ناظلی که توسط شیلات آشوراده تعیین شده است به آن بفروشد و در کنار آن سالی چند کیلو تراز شیلات بگیرد.

صیادانی که عضو تعاونی‌ها نیستند، شرایط برانتاب سخت‌تری دارند. آنها همواره در معرض تهاجم افراد سپاه و بسیج قرار دارند و هر پار که مخفیانه به صید می‌پردازند، احتمال دستگیری و به غارت رفتن وسایل صید و قایق‌هایشان می‌رود. طی ماههای گذشته چند مورد درگیری بین صیادان آزاد و ماموران حراست بوقوع پیوست. شایع است که سپاه می‌خواهد در بندر کز یک پایگاه دریایی دایر کند. بعقیده صیادان استقرار این پایگاه موجب تسلط بیشتر سپاه بر امور صید خواهد شد.

جوانان و دانش‌آموزان ترکمن صحرا در حرکت‌های اعتراضی زحمتکشان علیه جمهوری اسلامی شرکت فعالی داشته‌اند. رژیم در وجود آنها نیروی جوان و پالنده‌ای را می‌بیند که یار و یاور توده‌های ستندیده است رژیم از جوانان ترکمن هراس ویژه‌ای در دل دارد. بندرت می‌توان جوان ترکمنی را دید که موفق شود از همه سدهایی که حکومت برای جلوگیری از ادامه تحصیل جوانان این منطقه بوجود آورده است، بگذرد و وارد دانشگاه شود. پارها و پارها جوانان مستعد را به بهانه عدم صلاحیت از رفتن به دانشگاه محروم کرده‌اند. علاوه کمبود معلم و مدرسه و پایین بودن کیفیت آموزشی، مشکلات اجتماعی و شرایط اسفبار مالی خانواده‌ها اساساً امکان ادامه تحصیل را از جوانان ترکمن سلب کرده است. برای جوانان تنها دو چشم انداز وجود دارد، بیکاری و یافتن دادن به اجبار رفتن به چپه. دانش‌آموزان مدارس مداوماً تحت فشارهای مستقیم و غیرمستقیم رژیم قرار دارند. رژیم با ارسال بخشنامه‌های متعدد به مدارس معتمنین و دانش‌آموزان را به کمک‌های چائی و مالی جهت ادامه

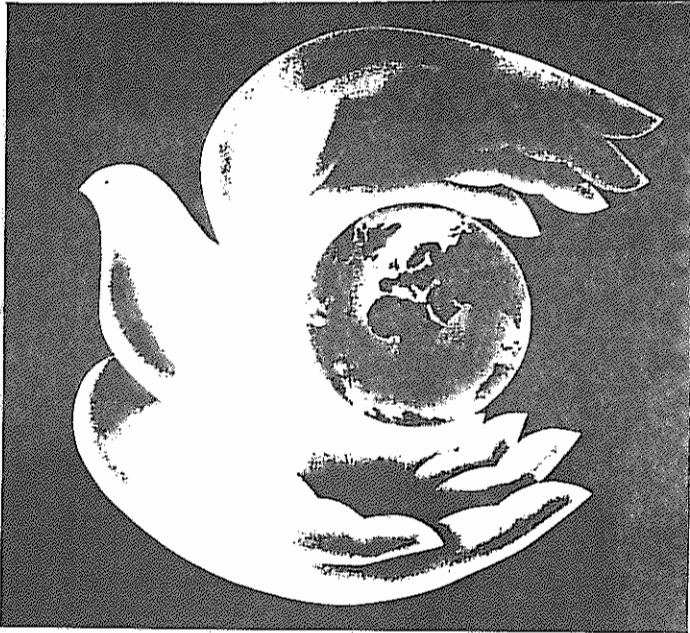
جنگ دعوت می‌کند. اسامی براسال همین بخشنامه‌ها خواسته شده که دانش‌آموزان نفری ۲۰ تومان و معلمین یک روز از حقوق ماهانه خود را (تا پایان جنگ، جهت کمک به چپه بپردازند، چالب آنکه در یکی از بخشنامه‌ها آمده بود هر کس موافق کمک به چپه نیست می‌تواند کتبا اعتراض خود را بنویسد! بجز معلمین حزب الهی، سایر معلمین به‌عنوانی مختلف منجمله به بهانه بدهکاری بودن از کمک خودداری می‌کنند. دانش‌آموزان عموماً بی‌پول‌اند، دیده شده است که دانش‌آموزان باگریه به مدیر مدرسه مراجعه می‌کنند و اظهار می‌کنند که قادر به پرداخت کمک نیستند و در موارد زیادی، برخی مدیران در پاسخ می‌گفتند تا وقتیکه پول نیاورید به مدرسه نیاید.

تجویه بدنی در بسیاری از مدارس به چشم می‌خورد. وضع بهداشت مدارس نیز بسیار اسفناک است. در سال تحصیلی ۶۵-۶۶ بیماری پوستی کال در همه مدارس گنبد شیوع پیدا کرد. برای رژیم سرنوشت جوانان ترکمن تنها در خانه نشینی یا کشته شدن در چپه‌های جنگ معنای یابد.

اعتیاد به مواد مخدر در ترکمن صحرا پیدا می‌کند. در گنبد بایک نگاه می‌توان ابعاد وسیع آن را دریافت. در خیابانهای اصلی گنبد زنان آواره سیستمی با چند بچه قد و نیم قد مشغول گدایی‌اند تا از این طریق پولی جمع کرده، "مواد" تهیه کنند. در میان جوانان اعتیاد روز به روز گسترش می‌یابد. در روستاهای اطراف گنبد مانند قویلی و قزل‌چماتی اعتیاد ابعاد گسترده‌ای دارد. در آق‌کلا و روستاهای مجاور اعتیاد با شدت بیشتری رواج یافته است بطور مشخص در روستای یامبی ۵۰ درصد جوانان و میانسالان و از جمله زنان معتاد و بعضاً عامل فروش مواد مخدرند! روستای یامبی در میان مردم آق‌کلا و حومه به زاهدان ترکمن صحرا معروف است. در بندر ترکمن نیز اعتیاد رواج دارد و بسیاری از جوانان را به کام خود کشیده است.

واقعیت‌های زندگی زحمتکشان ترکمن صحرا گویای رنجی است که جمهوری اسلامی بر آنان روا داشته است. زحمتکشان ترکمن صحرا قربانی سیاستهای ضد مردمی رژیم خمینی‌اند و هم آنان همیشه با دیکتر کارگران و زحمتکشان ایران، این مسیبتن تیره روزی خود را به‌گور خواهند سپرد.





جنگ نفت کشها و سودجویی های میلیونی

دلار از جمهوری اسلامی دریافت می کند (ناخداها اغلب اروپایی هستند). اما سود اصلی به جیب شرکت های کشتی رانی می رود که تنها ۲۷۰ دلار حقوق ماهیانه به ملوانان می پردازند، اما بابت هر سفر به ازای هر یک تن از خدمه کشتی، ۵ هزار دلار از ایران دریافت می کنند. مکتدنامه "اشپیکل" چاپ آلمان فدرال که این اطلاعات را منتشر کرده است، می نویسد سه شرکت عمده کشتی رانی یورپائی نفت ایران را به لارک می رسانند. سایر کشتی های این سه شرکت، از حملات جمهوری اسلامی درآمانند.

جنگ نفت کشها اگر به همه آسیب می رساند، حداقل منتا کسب سود برای شرکت بیمه لویدز و برخی شرکتها، کشتی رانی است. بیمه لویدز که دیگر نفت کشها، رفت و آمد کننده در بین خارک و لارک را بیمه نمی کند، هر از چندی حق بیمه را به دو برابر افزایش می دهد. برخی شرکتها، کشتی رانی نیز بابت رساندن نفت ایران از خارک به جزیره لارک، مبالغه میلیونی به جیب می زنند. این مسیر در محافل کشتی رانی به "بولوار اکزوست" (اشاره به موشکهای اکزوست عراق) مشهور شده است. ناخدای هر کشتی بابت هر یک بار رساندن نفت به لارک تنها ۱ هزار

در یک کشور سرمایه داری به چه کسی مدال می دهند

مدیرعامل انحصار "فلیک".

بدنبال صدور حکم دادگاه، به مقامات ایالت نوردراین - وستفالن پیشنهاد شد فورستر، مامور اداره مالیات که با پیگیری خود، ماجرا را برملا کرد، با اعطای یک مدال خدمت، مورد قدردانی قرار گیرد. نخست وزیر دولت (ایالتی، این پیشنهاد را تحت این عنوان که فورستر "تنها وظیفه خود را انجام داده است" رد کرد.

جالب اینجاست که سه متهم رشوه خوار و رشوه ده، همگی یک پاچند بار مدال خدمت درجه یک دریافت کرده اند.

در سالهای اخیر در آلمان فدرال، رسوایی گسترده ای در رابطه با رشوه خوار، صدراعظم و وزراء، کابینه این کشور و زودبند آنها با انحصار بزرگ "فلیک" به راه افتاد. هر چند دادگاه، متهمین را از اتهام ارتشاء، مبرا دانست و آنها را تنها به جریمه های نقدی، به علت "تقلب مالیاتی" محکوم کرد، اما در ذهن اکثریت مردم، این ماجرا به عنوان گواه بارز درم آمیزی قدرت دولت و انحصارات و فساد سران دولت نشست. در دادگاه سه متهم اصلی محکوم شدند، لامسدورف و فریدریش دو وزیر اعتماد پیشین و فون بر اوخیچ

افزایش جمعیت و مسئله فقر و گرسنگی

بخوانند و یاباه زحمت قادر به این کار هستند. وزیر کار آمریکا این امر را که ۱۵ درصد جمعیت آمریکا عملاً بیسوادند، یک "فاجعه ملی" خوانده است.

اگر تنها یک پنجم مبالغی که صرف تسلیحات می شود به مصرف مقابله با بیکاری برسد، تا سال ۲۰۰۰ ۵/۰ درصد صرفه جویی در مصارف نظامی برای حل مسئله کشاورزی و از میان بردن مشکل گرسنگی جهان در ده آتی کافی است.

اگر این واقعیات را کنار هم بگذاریم، عبق غیر انسانی بودن سیاست امپریالیسم را که به مسابقه تسلیحاتی دامن می زند و فقر و گرسنگی و بیسوادی را حفظ می کند، آشکار می شود.

جمعیت جهان به پنج میلیارد نفر رسیده است. در سال ۲۰۱۰، رقم جمعیت به هفت میلیارد تن خواهد رسید. در سال ۲۰۲۰، هشت میلیارد انسان بر روی کره زمین زندگی خواهند کرد. آیا کره زمین می تواند این همه جمعیت را تحمل کند؟

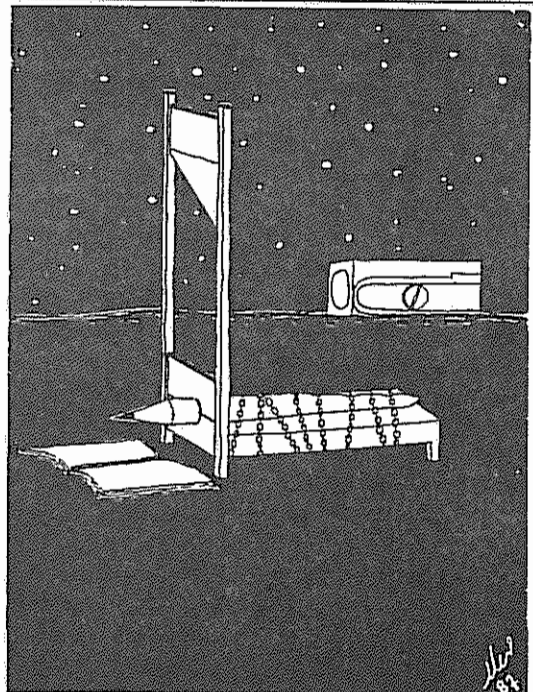
توماس مالتوس، نظریه پرداز ارتجاعی انگلیسی در قرن نوزدهم می گفت فقر، فحایح طبیعی، گرسنگی و جنگها خود بخود مسئله انفجار جمعیت را حل خواهد کرد. با اینکه نظریه مالتوس بارها رد شده است، هنوز "مالتوسی" هایی وجود دارند که وجود فقر و جنگ و... را برای جلوگیری از انفجار جمعیت ضروری می دانند.

در آمریکا سالانه ۷۰۰ هزار دانش آموز کارنامه ای را دریافت می کنند که خود یا نمی توانند آن را

ماجرای خلخال و چای نگین

"همه" به یاد دارند. البته خلخالی فراموش کرد بگوید این "همه" چه کسانی هستند. خبرنگار "گوناگون" از هر کس که در دسترس خود داشت، پرسید این تبلیغات "چای نگین" چگونه بود که "فسق و فجور" آن بعد از ۱۰ سال هنوز به یاد خلخال مانده است. متأسفانه حافظه هیچ کس تا این حدیاری نمی کرد. برای ما چاره ای نماند جز این که نتیجه بگیریم جلاد و دلنک رژیم، با دقت خاصی "فسق و فجور" چای نگین را دنبال می کرده است که اینطور به یادش مانده است.

اعتمادیان رئیس شرکت سازنده "چای نگین" از نزدیکان واعظ المبسی "متولی آستان قدس رضوی" است. واعظ طبسی خود وابسته به باند خامنه ای محسوب می شود. خلخال، که گاه به هیات جلاد و گاه به صورت دلنک دربار خمینی ظاهر می شود، در مجلس آخوندی برای زیر ضرب بردن واعظ طبسی، حمله شدیدی به اعتمادیان دست راست او کرد و گفت اعتمادیان صاحب همان "چای نگین" است که تبلیغات تجاری ترام با "فسق و فجور" آن در زمان شاه را



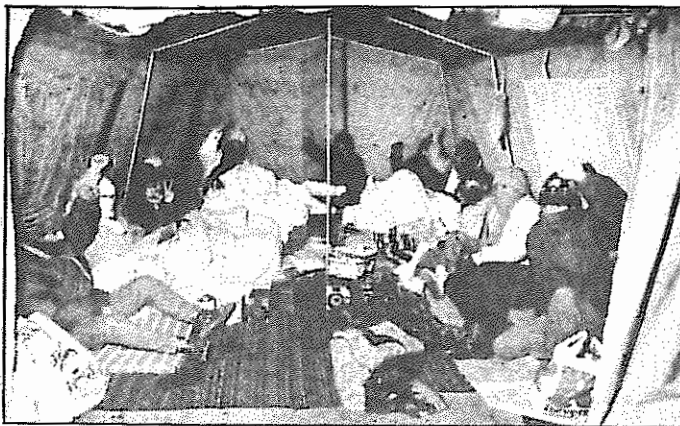
اعتراض برای مقابله با بازگرداندن يك پناهنده



عکس، صحنه‌ای از تظاهرات ایرانیان مقیم کولتورک سوئد را نشان می‌دهد. این راه‌پیمایی روز دهم اکتبر در اعتراض به دولت سوئد و به حمایت از یکی از ایرانیانی که پلیس سوئد قصد اخراج وی را از این کشور داشت صورت گرفت. یفاهندگان ایرانی با برپایی میتینگ‌های اعتراضی و ارسال نامه به سازمانها و شخصیت‌های اجتماعی از اقدام پلیس جلوگیری کردند. پلیس قصد داشت یکی از ایرانیان متقاضی یفاهندگی را که تقاضای وی ۷ ماه پیش از طرف اداره مهاجرت سوئد رد شده بود، توسط یک هواپیمای اختصاصی به تهران بازگرداند. اعتصاب غذا و اعتراض بکبارچه ایرانیان، اداره مهاجرت رایه لغو حکم سابق و بررسی مجدد آن وادار کرد.

اعتصاب غذا

برای دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران



بقیه از صفحه اول

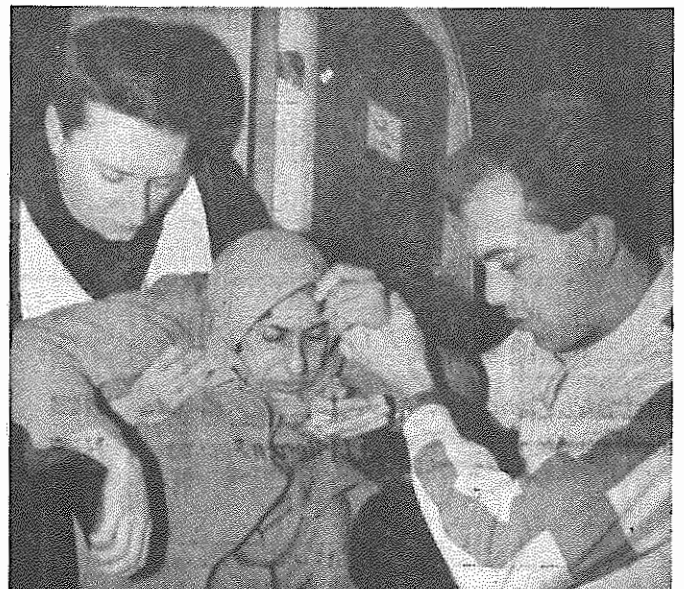
حزب کمونیست کارگری سوئد - مالمئو، حزب کمونیست‌های چپ سوئد - مالمئو، حزب مارکسیست - لنینیست انقلابی سوئد، انجمن دوستی سوئد - شوروی، کمیته صلح شوروی و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در مالمئو و جمعی از شخصیت‌های مترقی سوئد با اعزام نماینده و با صدور پیام، همبستگی خود را با اعتصاب غذای پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران ابراز داشتند.

و رادیوهای مدلی داشت. به دنبال پخش خبر اعتصاب غذا، گروه‌های زیادی از مردم سوئد به محل اعتصاب غذا آمده و با زندانیان سیاسی ایران و حرکت اعتصاب غذا برای حمایت از آنان، اعلام همبستگی کردند. آنان متن‌های اعتراضی نسبت به جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی ایران و نیز اعلام همبستگی با رهبران دستگیر شده حزب کمونیست متحد ترکیه را امضا کردند.

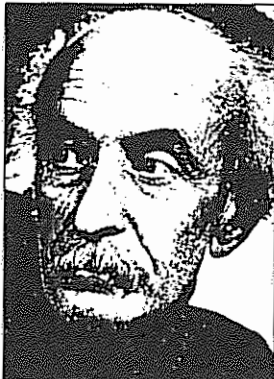
اعتصاب غذای

۴۰ پناهنده ایرانی در فرانسه

از هنگام اخراج ۱۵ پناهنده ایرانی وابسته به سازمان مجاهدین که در تاریخ ۲۷ آذر توسط دولت فرانسه به زور به کابن فرستاده شدند، ۴۰ تن از مهاجران ایرانی در پاریس علیه این اقدام ننگین دست به اعتصاب غذا زده‌اند. در روز یکشنبه ۱۲ دی‌ماه خبرگزاری‌ها از پاریس گزارش دادند تن از اعتصابیون به بیمارستان انتقال یافتند. در میان این ۵ نفر حال یک زن پناهنده که مبتلا به بیماری قلبی است وخیم گزارش شده است. عکس، انتقال او را به بیمارستان نشان می‌دهد.



بمناسبت سالروز هرگ نیمایوشیج



دوازدهم دی ماه مصادف با سالروز مرگ فیمایوشیج (علی اسفندیاری)، پایه‌گذار شعر نوین فارسی است. برای بزرگداشت یاد فیما، پیشنهادی که شعرش بیان زندگی رنج‌ها و فریاد عزم و شویید پیکار و بیروزی است و برای شناخت فیما و شعر نیمایی نوشته‌ای از مهدی اخوان ثالث (م. امید) را بر کزیده ایم. اخوان ثالث در این نوشته شعر "کار شب پای"ی فیما را مورد نقد قرار داده است.

نوشته مهدی اخوان ثالث،
از کتاب بدعتها و بدایع نیمایوشیج

پایای شعر نیما

گاهی از اینجا و آنجا شنیده میشود که شعر نیما پیچیده و پرنج است و حال آنکه چنین نیست، نیما شهری ساخته‌است که مسافر غریب‌مکن است در آن شهر، بنا بر سوسه‌هایی سرگردان بماند. اما همینکه هول ساختگی غریب تازه وارد ریخت و چشمش سایه‌ها و چراغها را شناخت و به فضای شهر کمی عادت کرد همه کوچه پس‌کوچه‌ها را آشنا خواهد یافت و هر خیابان و محله را نیز و حتی سردابها را با سایه‌های سیر و غمگینشان.

بنابراین راه رفتن ما پایای چند شعر نیما از نوع شروحنی که بر خاقانی و دیگران نوشته‌اند نیست بلکه فقط همان گام بگام ایستادن و توجه کردن است بی آنکه نیازی باشد به مدد گرفتن از علوم و فنون مرده و غیره. اینکار فقط چشمی میخواهد که با آن خوب ببینیم (و گاه بشنویم) و گوش‌های که بشنویم (و گاه بنکریم) تنها مسأله مهم و لازم در توجه ما نیست که چندان متوقع نباشیم که مزه‌های ما نوس را بجشم و قالبگیریهایی مهیود را ببینیم و آسان‌طلبی عادیمان را سیراب کنیم.

باکمی دل دادن در می‌ریایم او تمام آنچه‌هایی را که برای فضای شعرش لازم است، تعبیه کرده، همه عناصر دیدنی و شنیدنی و اسامی ذات، مثل سایه روشن صحنه، خطوط اصلی و آرایشهای صحنه، صدای خاموشی، حرکات و سکون، و نیز عناصر نامرئی و اسامی معنی و حال، مثل هول و اندوه و دیگر لوازم صحنه آرائی را، غالباً با وضعی بسیار ساده و گویا طراحی میکند. در شروع کار شب پای شب باکمی است که شبها مرز عه برنج (آیش) را می‌پاید - ببینید وصف چقدر کامل و در عین حال مختصر است. اول با چند خط کوتاه عناصر اصلی گوشه‌ای از صحنه را طرح می‌کند که مهتاب شبی است آرام، و ما آرامش را بیشتر از حالت خفتن «تیرنگه» (قرقاول) بر شاخه «اوجا» (یک قسم نارون) حس می‌کنیم...

ماه می‌تابد، رود آرام است.

پس از طرح این آسودگی و تعطیل، ناگهان قهرمان داستان، مرد شب پای، را بصحنه می‌آورد و می‌شناساند و با تضادی از تعطیل و خاموشی کائنات از یکطرف، و پیداری و شب زنده داری رنج و زحمت از طرف دیگر به قصه و قصیده خود قوت می‌بخشد...

با این تمهید ما را از خود پیاده کرد. در دو نامه در نوشته نیما چنین میخوانیم: «لازم است... خواننده را با اولین مصرع از خود بیرون بکشد و بدست فرمان خود بگیرد» (نامه نیما در دو نامه ص ۳۳).

او هم اکنون چنین کرده است ما را با همین سرعت و سادگی به‌خیلی چیزها آشنا کرده است. از راه میان بری، برشی آزدندگی قهرمانش را بر کشیده است و پیش چشم ما گذاشته، اما هنوز چیزهای دیگری را هم باید نشان دهد، هم از دیدنیها و هم شنیدنیها و هم اینکه بدانیم کار این قهرمان چگونه است.

می‌دمد گاه به شاخ،

نه صدایی است بجز این کز او است...

بدنها خواهیم دید که هوامه آلود است و در گرد مهتاب بر آن بنشسته، پس دیگر از اشاره به تیرگی باوجود مهتاب، تجنب نخواهیم کرد، تاکنون طرح صحنه را دیده‌ایم، مرد صحنه را شناخته‌ایم و بعضی حرکاتش را، صدای طبل و شیپور شاخی را هم شنیده‌ایم، اما هنوز صحنه آرائی کامل نیست...

میدم گاه بشاخ،

گاه می‌گوید بر طبل، بچوب.

حال و معنایی هم برگزیده‌ها افزوده، البته این بیان کمابیش ذهنی است ما «هول» را فقط میشنویم و بشکل کلمه، آنرا نمی‌بینیم اما او بزودی این کوتاهی را مرمت میکند، بزودی جلوه‌های عینی هول را ارائه خواهد کرد، مخصوصاً با طراحی خلاصه و کم خط بعضی حرکات دیگر برای شناسایی بیشتر...

میرود دو کی، این همبکل او است

میرمد سایه‌ای، اینست گراز.

خوب، اکنون دیگر مرد داستان سخن آمد. بیشتر کار اصلی صورت گرفته است. مرد را چنانکه بسندماست و سفارش زندگی ما و مقتضای همدردی بشریمان، درست و با بصیرت انتخاب کردیم صحنه را با وضعی کوتاه و لازم، بی‌زوائد مغل قوت بخشیدیم و مرد را شناساندیم همین در درجه اول از اهمیت و دشواری قرارداد نشان از توجه و شیوه تفکر ما، چون گزینش ماهمان بینش ماست مراقبت‌های پس از این چندان دشوار نیست اگر گرگ ما را برخت و چوب شبانی نفریفته باشد، انتخاب درستی کرده‌ایم، همان کسی را که باید به صحنه آورده‌ایم، ما باینبینه‌های دست دهقان آشنا ایم، او هرگز مثل مباشر حرف نخواهد زد، و نه مثل ارباب و آخونده و زاندارم پاسگاه نزدیک و کدخدا. با وجود همه آلودگی فضا اشتباه نکرده‌ایم خودش است، این همان شب پای مازندران است لباس خودش را دارد و بر صحنه زندگی رنجبار خودش است حالا دیگر میدانند که چها بگویند، خوشبختانه او نه بودا خوانده است نه شوپنهاور و نه هگل، پس بیقین مثل «فلان دکتر» با چوبدست شطیحات تفرعن آمیز نیچه بر سر و بهمان فیلسوف نخواهد کوفت، اما وقتی دردش می‌گوید:

تازه مرده‌ست ز نم

گر سنه مانده دو تائی بچه‌هام...

بسیار قویتر از پیروان آن فیلسوف اجتماعی جواب دکتر فلان را میدهد و کارش همچنان ادامه دارد.

باز می‌گوید او بر سر طبل،

در هوائی به مه آلوده شده،

هان، پس او شب پای تنها مانده‌ای است که چندان تنها هم نیست «دوتائی بچه‌های» کرسنه‌ای هم دارد و قصه بمیر و بدم در شاخ و وزن بر طبلش درخیل خیل پشه‌ها و در شب موذی گرم باید همچنان و همچنان دنبال شود:

مثل اینست که با کوفتن طبل دمیدن در شاخ

اما «آنجا» کجاست که او بخود می‌گوید، یا با او می‌گویند «مرد» و بر آنجا؟ انکار اینجا طلوع و غروب است سینمایی، تصویری محو و تصویری آشکار میشود. وصفی است مختصر از «آنجا» از کلبه‌های روستائی در مازندران بستی ازنی و چوب بست (نهار) و «کله‌سی» (اجاق) و بچه «دینجر» (شلوگ کار) و پیه سوزی کورسو و دیگر هیچ... اما نه، و دیگر پشه‌ها:

بچه دینجر از زخم پشه

برنی آرامیده.

هست جولان پشه

هست پرواز ضعیف شبتاب

یک کلمه زائد یا برای آرایش و تمهید وزن و قافیه نبود آنچه در اولین نگاه و تأمل



شود همراه باخود لغت واسطلاح تازه هم می آورد و اینکار اگر باصبریت و بی تصنع صورت بگیرد به وسعت و توانائی زبان میافزاید. مقصودم از بی تصنع اینست که چنین نباشد که لغات مصطلح و معمول صحافان را مثلاً، ازقبیل: جلد، شیرازه، مقوا و غیره قطار کنیم در بیتهای بیش و بعد حظ بدیمی ببریم از اینکه «مراعات النظیر» مجلد گرانهای یقیناً کرده ایم. فی المثل نیما در کارش با از کلمات محلی استفاده کرده است مثل بینچگر، نیار، کله سی، و غیره اما نه بشوق مراعات النظیر (گرچه کمابیش از چنین حالت سنت بدیمی هم خالی نیست) بلکه باین سبب که این کلمات محل حاجت او بوده است و جانشینهای گویاتری نداشته است اولاً، و ثانیاً باین سبب که در این لغات حال و فضای مازندران بیشتر انعکاس دارد تا احیاناً مترادفات آن کلمات از فارسی مصطلح و رایج. ازین حیث نماخاقانی را بیاد می آورد و نیز قائم مقام فراهانی را. باری، داستان نزدیک بشام است گرچه کار شب پاتمام شدنی نیست. او اینکار را می کند برای چه؟ برای اینکه بازم بشام می تواند این کار را بکند. اگر باز پرسیم برای چه، دور زده ایم. اما ازین دورتسلسل کوتاه و پوچ و عبث چه حاصلی؟ همین است سؤال. و قوت این قصیده به جهاتی شاید در طرح اشاری و بی صراحت همین سؤال باشد. در این بند شعر که به صراحت هم نزدیک شده ایم:

میکنند بار دیگر دورش از موضع کار
فکرت زاده مهر پدری

و شاید به سائقه همین فکر و سابقه رنجها و محرومیتهاش است که مرد شب با عصیان می کند اما در عالم خیال:

باز می گوید: «مرد زَن من.
بچه ها گرسنه هستند مرا»

اینست، فقط تا همین حد، بارش عصیان او. اما چه فایده؟ کاری که باید، یا نباید بشود، شده است خواه برود و خواه نه، خواه خوگها بیایند بویرا نگری یا نیایند، مرد شب با آنها تر شده:

«چه شب موذی و سنگین!» آری
همچنان است که او می گوید.

دیگر حق دارد ماه را فراموش کند و شاید حذف. گویا غروب کرده است. گویا همان غبار روشنائی هم زایده بود. حق دارد حدود را تنگتر سازد و شب را تیره تر و سنگینتر. انگار شب شکارش را گرفته می خواهد مشتش را ببندد، بشرد. این پروانه نیست و نه گنجشک که در مشت شب بهم فشرده میشود، می پژمرد و آب میشود. این يك لخته خون است، دل مرد شب با. و ببینید چه وصف ساده و گیرائی و تشبیه پرقوتی:

هر چه، هر چیز که هست از بر او

و کار شب با، از شعرهای نمونه، نیما یوشیج است. بعضی از اصول شیوه او در این منظومه بکمال آمده است و بسیاری از خصال هنر او را متبلور کرده اند. از سیمای انسانی و غمگینش و دلسواری و همدردیش با رنج و اهل رنج، از فضای مه آلود و اندوهگین و شعرش، و قدرت طراخی و تشبیه و وصفش، از قطع و فصلهای جالبش و شیوه خاصش در ترکیب و هماهنگی و بازگشتن بدستانگونی و ترجیع هائی که مثل پیوند و گره میگذارد رشته رها شود، از زمزمه آرام و بیض آمیزش، و زبان خاص و سادگی بیانی و صفای کوهستانی و وجه و چها، همه در این داستان می بینیم و نیز بایانی چه مناسب یاد آور شروعی آنچنان خوب:

هیچظوری نشده باز شب است
همچنان کاول شب، رود آرام

شتابزده میتوان دید و شنید و همان است که اصلی و در بایست است نشان داد. در این قبیل مواقع نیما به وصف «امپرسیونیستی» بسیار نزدیک میشود. آنجا را هم دیدیم شاید، کلبه خود او نبود، اما بهر حال نمونه ای بود و باز شب است و:

«چه شب موذی ای و طولانی!»
نیست از هیچکسی آوائی...
ده از او دور، و کسی گر آنچاست
همچو او زندگیش می گذرد.
خود او در آیش

و زنا و به نیاری تنهاست

پس در آنجاها هم خبرهای دلکش نبود. برگردیم به جایی که شب پارا گذاشتیم و باخستگی و زحمت طاقت فرسایش. شب پا عبور است و شاید هرگز مثل ما از این پرسشها ندارد که: اینهم کار شده که آدم از سر شب می در شاخ بدمد و بر طبل بکوبد و موزعدیگران را بپاید؛ حوصله سگ هم سرمی آید و می گریزد و آدم را تنها می گذارد:

«آی دالنگ! دالنگ!» صدا می زند او
بینچگر بی ثمر آنجا تنها
چون دیگر همکاران ...

شعر مدام می جوشد و موج میزند و چشم بیننده را به حقیقت و اوج می برد و به جیب و راست. اینجا باز ببینید باچه وصف امپرسیونیستی کوتاه و تمامی، حالت و حرکت مرد را در محیط تاریک و پراهمام گرداگردش تجسم میدهد و از اطراف جدا میکند. «شماله» چوبی است از درختی جنگلی که نوعی زیت طبیعی در آنست و اهالی جنگل آنرا می افزونند و از شمشل می سازند:

نه کسی و نه سگی همدم او
بینچگری ثمر آنجا تنها

ازین خلاصه تر و کامل و گویاتر حتی نقلی کردن هم دشوار است.

کم کم پای «شما» هم بمیان خواهد آمد. این «شما» خود شما نیستید و شما نیستید، و گرنه دشمنان شما و مرد شب با. شاید هم شیوه ناچور و دور از داد زندگنی باشد که جاری است. بهر حال، اگر مرد شب با را در جامه ای که دارد بچایاودیم، مسأله چندان دشوار نیست. زیرا هنوز شب است و او:

طبل می گوید و در شاخ دمان
به سوی راه دیگر می گذرد.

وجه کم حرف است مرد. وجه تکرار می کند حرفی را. شاید حق داشته باشد کم حرف باشد، زیرا باچه کسی حرف بزند؟ همایش باخودش؟ اما بی شك حق دارد تکرار کند زیرا يك تمه بیش نیست، رنجش، گرسنگی بجهایش، و شبش:

«چه شب موذی و گرمی و سمنج!»
بچگانم ز ره خواب نگشند بدر

آیا باعداد نزدیک است؟ یا این تضرع خاموش، این مناجات غمگین و باخود او، چون لایمی آشنا و نوازشگری بکوش سکش رسیده؟ اما بهر حال او حق ندارد بالایی هیچکس چشمان خسته خود را بخواب سپرد و شاید هم رشک میبرد به زندگی سگی که میتواند لااقل چند لحظه پلکهایش را گرم کند:

«دالنگ! دالنگ!» گرسنه سگ او هم در خواب.
هر چه، خوابیده؛ همه چیز آرام
میچمد از پلمی خوک بهلم.

پلم نام گیاهبویه ای است و لم تمشک و خاردر هم. نیما در این شعر نه تنها از فنا و هوای سرزمینش مازندران و زندگی مردم آنجا مایه بسیار گرفته، بلکه از لغات و اصطلاحات محلی و خاص هم غافل نمانده است ناچار وقتی گوشه تازه ای از زندگی باغناسر تازه، به شعر وارد

بخش دوم

انقلابات اجتماعی سال‌های ۱۹۴۰

در شماره پیشین "اکثریت" بخش اول مقاله "انقلابات اجتماعی سال‌های ۱۹۴۰" که در آن تجربه تشکیل دولت‌های دموکراتیک خلق در جریان و در ادامه مبارزات ضد فاشیستی در اروپا مورد بررسی قرار

نقش اتحاد شوروی (علاوه بر آنچه گفته شد) در این امر بود که حضور ارتش آن و اعمال کنترل آن در تعدادی از کشورها تا تکمیل قراردادها صلح، او انقلابات در مقابل مداخله خارجی محافظت و ارتجاع داخلی را جنتی می‌کرد و او این طریق راه سلامت‌آمیز تحول انقلاب را امکان‌پذیر می‌ساخت. با تناسب قوای متفاوتی او آنچه بود، احتمال مداخله مسلحانه او خارج و برخوردهای خونین زیاد می‌بود. متلاذرومانی در اوایل ۱۹۴۵ دولت ژنرال رادسکو تحریکات مسلحانه‌ای انجام داد. بر اثر حمایت قاطع نماینده اتحاد شوروی در کمیسیون کنترل متفقین در رومانی از نیروهای دمکراتیک، تظاهرات ۸۰۰ هزار نفره در بخارست در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست رومانی، و بسیج واحدهای پارتیزانی، درگیریها به حدجنگ داخلی نرسید. حضور ارتش سرخ در لهستان نیز نقش مشابهی داشت. در این کشور محافظ راستگرای بورژوازی نه تنها نهادهای سیاسی در مهاجرت خود (حکومت، پارلمان وقت و غیره) را حفظ کرده بودند، بلکه در ماه مه ۱۹۴۵ ارتش منظمی متشکل از ۲۰ هزار نفر تحت فرماندهی قدرتهای غربی و نیز واحدهای مخفی مسلح داشتند.

نیروهای مسلح شوروی همزمان با جلوگیری از صدور ضد انقلاب، با چنان دقتی مقررات حقوقی بین‌المللی را رعایت می‌کردند که به گواهی اسناد، حتی سیاستمداران بورژوازی وابسته به حزب سوسیالیست ملی چکسلواکی در سال ۱۹۴۶ ناچار به اعتراف شدند که: "تعهد عدم مداخله در امور داخلی ما از جانب اتحاد شوروی با بیگیری و ملاحظه‌ای که همواره در برخورد قدرتهای بزرگ به کشورهای کوچک معمول نیست، رعایت می‌شود. حتی یک مورد نیز وجود نداشته است که اتحاد شوروی به هر طریقی بکوشد تاثیری بر حل مسائل داخلی ما بگذارد. رفتار اتحاد شوروی در این رابطه، نمونه‌ای او اجرای شرافتمندانه تعهدات است." پتروگروزا رئیس دولت رومانی نیز به گونه‌ای مشابه از فعالیت نمایندگان شوروی در کمیسیون کنترل متفقین تمجید کرد و گفت: "در تمام طول دوره متارکه جنگ، حاکمیت دولت رومانی و استقلال آن، و فیزیوحرمت ملت رومانی حتی در یک مورد نیز نقض نشد. برعکس، نمایندگان دولت شوروی، سیری بودند که از استقلال، آزادی و شرف ما بر علیه هرگونه تجاوز و دفاع می‌کردند. به برکت این حمایت ما قادر شدیم هر تلاشی برای محدود کردن حاکمیت و استقلال خود از طریق مداخله خارجی در امور داخلی خود را به عقب برانیم."

کمک اتحاد شوروی در عرصه بین‌المللی در دوره‌ای که نظام پس از جنگ اروپا شکل می‌گرفت،

خود به مواد خام را دریافت داریم و در عین حال، بخش بزرگی از محصولات صنایع سنگین و سبک خود را به فروش برسانیم، امری که ستون فقرات برنامه اقتصادی پنج سال آینده ما را تشکیل می‌دهد. قرارداد بر مبنای اقتصادی واقع بینانه‌ای منعقد شده، منطق بر منافع هر دو کشور و فاقده هرگونه شروط سیاسی است. همچنین باید تاکید کرد که ارتش سرخ، که یک نیروی طبقاتی بوده با حضور خود به برانگیختن زحمتکشان به انجام اقدام انقلابی و ایجاد شرایط مساعد برای موفقیت مبارزه مستقل آنها یاری رساند. صرف حضور اتحاد شوروی نیرومند، تأییدی بر این بود که انقلاب، شدنی است و سوسیالیسم نه یک امر تخیلی، بلکه واقعیت است. نخستین دولت سوسیالیستی جهان، خود تجارب عملی بسیاری کسب کرده بود که ملل دیگر می‌توانستند از آن بهره گیرند. احزاب کمونیست و کارگری کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی در فعالیت خلق خود همواره می‌توانستند روی کمک معنوی و سیاسی اتحاد شوروی حساب کنند. وجوه اساسی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه نوین در اتحاد شوروی تجربه شده بود، اما این خلقها بودند که می‌بایستی برای حاکم شدن بر سرنوشته خود، راه دگرگونیهای عمیق اجتماعی را در پیش می‌گرفتند.

استراتژی انقلابی کمونیستها

انقلابات دهه چهل نه یکباره مشتعل شدند و نه صرفاً حاصل کار عده‌ای انقلابیون از جان گذشته بودند. این جنبشهای توده‌ای، چه در آغاز و چه در جریان پیش رفت خودمبیتی بر آمادگی‌های ایدئولوژیک، تشکیلاتی و نظامی بودند، به لحاظ استراتژیک و سیاسی بر روی آنها فکری شده بود و مراحل مختلف حرکت آنها به صورت هدفمند و با برنامه از جانب کمونیستها، که نیروی رهبری کننده این انقلابات بودند، هدایت شد.

احزاب کمونیست و کارگری، در کشورهایی که در آنها این روند انقلابی پیش می‌رفت، ناکزیر بودند بطور مخفی و در شرایط بسیار سخت فعالیت کنند. صدها هزار از اعضا و کادرهای مجرب آنها در مبارزه قاطع و پیگیر علیه اشغالگران، جان باختند. حزب کمونیست یوگسلاوی، ۵۰۰۰ نفر شهید داد و حزب کمونیست چکسلواکی ۲۵۰۰۰ نفر. ۲۰۰۰۰ نفر یعنی نژدیک به نیمی از اعضای حزب کمونیست آلمان از سال ۱۹۳۳ به بعد به دست فاشیستها اعدام شدند، به زندان افکنده شده و یا به اردوگاهها فرستاده شدند. با توجه به این فشارهای صعب، طبیعی بود که در آغاز انقلابات تعداد اعضای احزاب کمونیست هشت کشور مورد بحث چندان بر شمار نباشد، به عنوان نمونه حزب کارگران لهستان حدود ۲۰۰۰ عضو داشت، حزب کمونیست یوگسلاوی ۱۲۰۰۰، حزب کارگران بلغارستان (کمونیست) ۲۵۰۰۰ و حزب کمونیست آلبانی فقط ۶۰۰ تا ۷۰۰.

اما کمونیستها از طریق مقاومت قاطعانه و دلاراته خود در برابر فاشیسم، در برابر اشغالگران و وطن فروشان، موفق شدند نه تنها اتوریته بدست آورده و احترام خلق را برانگیزند، بلکه همچنین توانستند اعتماد توده‌های وسیع مردم را جلب کنند.

گرفته‌است، از نظر خوانندگان گذشت. در زیر بخش دوم مقاله درج می‌گردد. این مقاله از نشریه "بررسی مارکسیستی جهان" شماره ۷ سال ۱۹۸۴ برگرفته شده است.

برای سرنوشته انقلاب در همه هشت کشور اهمیت زیادی داشت. او ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵، اتحاد شوروی قراردادهای دوستی با چکسلواکی، لهستان و یوگسلاوی منعقد کرد. در همه مراحل مذاکرات بسیار پیچیده با قدرتهای غربی عضو ائتلاف ضد هیتلری در مورد مسائل لهستان، یوگسلاوی و چکسلواکی، حکومت شوروی بلا تغییر در کنار نیروهای دمکراتیک این کشورها قرار گرفت.

موضع شوروی به روشن‌ترین وجهی در طرح و انعقاد قراردادهای صلح با کشورهایی که زمانی اقرار "رایش سوم" بودند، بازتاب یافت. در کنفرانس صلح پاریس در ۱۹۴۶، اتحاد شوروی این نظر را ابراز داشت که خلقهای بلغارستان، مجارستان و رومانی مسئول سیاست طبقات حاکم خود نیستند، به ویژه بدین خاطر که در مراحل پایانی جنگ این کشورها به آلمان هیتلری اعلان جنگ داده، جانب متفقین را گرفته و شرافتمندانه تعهدات خود را در مبارزه با ارتش فاشیستی اجرا کرده بودند. قراردادهای صلح منعقد در پاریس در فوریه ۱۹۴۷ با بلغارستان، مجارستان و رومانی، مواضع بین‌المللی این کشورها را تحکیم کرد و شرایط مساعدی برای تامین استقلال ملی و دمکراسی در آنها فراهم آورد.

اتحاد شوروی که در جنگ متحمل سنگین‌ترین خسارات انسانی و مادی شد، به برپایی نظام نوین اجتماعی در هشت کشور از طریق اقتصادی فزاینده کمک کرد. در سالهای نخست پس از جنگ، پیوندهای اقتصادی میان این کشورها و اتحاد شوروی عمدتاً در عرصه بازرگانی خارجی بود. محموله‌های بزرگ سوخت، مواد خام و تجهیزات که از اتحاد شوروی به این کشورها می‌رفت، دارای اهمیت فراوان بود، او جمله در احیای صنایع لهستان و رومانی، علاوه بر این، در سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷، اتحاد شوروی بارها به یاری دولت‌های دمکراتیک توده‌ای شتافت و به ایجاد وسیعی به آنها غله تحویل داد. از این طریق نقشه‌های ضد انقلابی ارتجاع که بر روی گرسنگی حساب باز کرده بود، نقش بر آب شد.

بازوگانی خارجی میان اتحاد شوروی و این هشت کشور تا حد زیادی بر مبنای وام‌های شوروی صورت می‌گرفت؛ تا پایان ۱۹۵۲، حجم اعتبارات شوروی که به این کشورها اعطا شده بود، به ۱۵ میلیارد روپل رسید. شرایط این وام‌ها بسیار ساده بود: یک تا سه درصد بهره سالانه. از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ اتحاد شوروی و دولت‌های دمکراتیک توده‌ای قراردادهای بازرگانی خارجی امضا کردند. کلمنت گوتوالد نخست وزیر چکسلواکی قرارداد بازرگانی ۱۹۴۷ میان اتحاد شوروی و چکسلواکی را چنین توصیف کرده است: "این قرارداد به ما امکان می‌دهد با شرایط مساعد پرداخت، بخش بزرگی از نیاز صنایع



بلغارستان در روزهای از یوغ فاشیسم

شوروی و دیگر دولتهای صلح دوست بود. در مرکز توجه این برنامه‌ها حفظ، گسترش و تقویت اتحاد وسیع و حمتکشان و همه احزاب دموکرات ضد فاشیست به منظور بازسازی اقتصاد ملی، مجازات فاشیستهای بیگانه و بومی و چائیان و مزدوران و کوتاه کردن دست این عده از عرصه‌های اقتصادی قرار داشت.

این برنامه‌ها همچنین بر روی برپایی ارگانهای دموکراتیک قدرت - قدرتی که ضامن پیش برد سیاست صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی باشد - و نیز تضمین اتحاد عمل کارگران و دیگر و حمتکشان به مثابه شرط ضروری پیش برد موفقیت آمیز انقلاب، تمرکز داشتند. احزاب کمونیست این هدفهای فوری را فرموله کرده و به اطلاع همگان رساندند، حزب کارگران بلغارستان (کمونیست)؛ برچیدن دستگاه سلطنت و برپایی دولت دموکراتیک خلق - حزب کمونیست مجارستان، براندازی ارتجاع حاکم بر کشور و انجام تحولات دموکراتیک، - حزب کمونیست آلمان؛ ایجاد یک رژیم ضد فاشیستی و دموکراتیک، یک جمهوری؛ دموکراتیک پارلمانی - حزب کارگران لهستان؛ آزادی ملی و دستیابی به لهستانی نوین بری، از زمین داران و سرمایه داران بزرگ - حزب کمونیست رومانی؛ برپایی یک دولت مستقل، ناوابسته، با ثبات و شکوفان - و حزب کمونیست چکسلواکی؛ آزادی چکسلواکی، پیش برد پیگیرانه انقلاب دموکراتیک ملی و حل مسأله ملیتها بر پایه حقوق برابر چکها و اسلواکها. کمونیستها برای دستیابی به این اهداف کاملاً به این موضوع آگاهی داشتند که ظرفیت‌های واقعی، سرعت و اشکال هر یک از انقلابات نه فقط به شرایط ملی نه فقط به عمل طبقه کارگر و توده‌های خلق، بلکه به میزان زیادی به شرایط بین‌المللی، به جایگاه دولتهای تازه یا در نظام روابط بین‌المللی و همچنین به میزان نفوذ اتحاد شوروی و قدرتهای غربی (که آنها نیز جزو ائتلاف ضد هیتلری بودند) در هر کشور وابسته است.

اسناد آن دوره نشان می‌دهند که اکثر احزاب کمونیست قصد حرکت سریع به سمت سوسیالیسم را نداشتند. کلمنت گوتوالد در کنگره هشتم حزب کمونیست چکسلواکی در مارس ۱۹۴۶ تأکید کرد که در کنار موسسات ملی شده خلقی یک بخش بزرگ اقتصادی خصوصی نیز بر جا خواهد ماند و موسسات خصوصی کوچک و متوسط در نظام اقتصادی نوین جای خود را خواهند داشت. گئورگی دیبیتروف از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۴ از حفظ مالکیت خصوصی و تشویق ابتکارات خصوصی برای بهبود اقتصاد کشور سخن می‌گفت. در یک بیانیه برنامه‌ای دولت نوین چینه خلقی در بلغارستان که در نوامبر سال ۱۹۴۶ انتشار یافت، حتی پیشنهاد شده بود برخی محدودیت‌هایی که در بقیه در صحنه بعد

و دیگر نیروهایی که نسبتاً با شعارهای سوسیالیستی می‌رومیدند، در جریان مبارزه رهایی بخش این موضوع را نمی‌پوشاندند که هدف نهایی آنها نجات زحمتکشان از قید ظلم و استثمار است. با این وجود، در آن دوره کمونیستها در اغلب کشورها (به استثنای آلبانی و یوگسلاوی، در کشوری که احزاب کمونیست در آنها در بیان جنگ آزادی بخش به محمول داشتن اقدامات سوسیالیستی پرداختند) - هیچ خواسته سوسیالیستی را مطرح نکردند و مبارزه خود را با طرح مستقیم سوسیالیسم پیش نبردند. آنها بر اساس تجربه خود به این نتیجه رسیدند که برپایی یک نظام نوین مستلزم شرایط عینی و ذهنی در خور آن است و توده‌ها را صرفاً با کمک شعارهای قابل فهم و غلیظی که برای انجام آن آمادگی دارند، می‌توان به سمت خود جلب کرد. از همین رو بود که احزاب کمونیست، در هر کشوری متناسب با وضعیت خود ویژه آن، مجموعه‌ای از خواسته‌های متنوع را ارائه می‌کردند که امید می‌رفت چینه وسیع طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات را در پیوند با احزاب و سازمانهای دموکراتیک به سمت خود جلب کنند.

این خط مشی کاملاً در انطباق با استراتژی چینه خلق بود که با هدف برافکندن فاشیسم از سو، کنگره هفتم کمینترن ارائه شده بود. در طی جنگ جهانی دوم، سیاست‌های وحشیانه و ضد بشری فاشیستها امکان اعمال استراتژی تشکیل چینه‌های رهایی بخش ضد فاشیستی را فراهم کرد که علاوه بر کارگران و دهقانان، بخش‌های پرشماری از اقشار میانی، روشنفکران و بورژوازی را که با فاشیسم مصالحه نکرده بودند، در برمی‌گرفت. به دلیل تفاوت وضعیت و توازن قوا در هر کشور، میزان نفوذ کمونیستها و برنامه‌های آنها در چینه‌های ضد فاشیستی میهنی و ملی متفاوت بود. به عنوان مثال در آلبانی، بلغارستان و یوگسلاوی احزاب کمونیست از همان آغاز به عنوان نیروی رهبری کننده جنبش توده‌ای ضد فاشیستی به رسمیت شناخته شده بودند. اما در مجارستان، رومانی و لهستان، یعنی آن کشورهایی که سوسیال - دموکراتها (و علاوه بر آنها در مورد لهستان و نیز در چکسلواکی دولت در تبعید) نفوذ وسیعی داشتند، کمونیستها تنها در جریان مبارزه توانستند نقش نیروی رهبری کننده را به صورت مشخص و روشن، به دست آورند.

پایه طبقاتی و آرایش سیاسی چینه‌های رهایی بخش ملی تعیین کننده خصیلت، برنامه‌ها و ترکیب نخستین ارگانهای حکومتی پس از دوره فاشیسم بود. نمایندگان احزاب کمونیست در این حکومتها ابتکار طرح مهمترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی - اجتماعی را در دست داشتند. نخستین برنامه‌های انقلابات در این تاریخ‌ها فرموله شدند؛ برنامه چینه میهنی بلغارستان در ژوئیه ۱۹۴۲، بیانیه ژوئیه لهستان در ژوئیه ۱۹۴۴، برنامه دهرسن در مجارستان در دسامبر ۱۹۴۴، برنامه دولتی رومانی در ژانویه ۱۹۴۵، برنامه کوشیچ چکسلواکی در آوریل ۱۹۴۵، تصمیمات کنگره پرمت در آلبانی، در ماه مه ۱۹۴۴ و فراخوان حزب کمونیست آلمان در ژوئیه ۱۹۴۵.

در هیچ یک از این برنامه‌ها برای استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و یا گذار به سوسیالیسم فراخوان داده نشده بود. تأکید این برنامه‌ها بر روی آزادی قطعی و استقرار روابط مودت آمیز با اتحاد

از آنجایی که کاملاً روشن بود آنان پس از رهایی از یوغ فاشیسم نیز پیگیرانه از منافع کارگران، دهقانان و دیگر قشرهای زحمتکش دفاع خواهند کرد، مدام تعداد بیشتری از کارگران و زحمتکشان به صورت چریایی قوی به صفوف آنها می‌پیوست.

حزب کمونیست مجارستان در ماه مه سال ۱۹۴۵، ۱۵۰۰۰ عضو و در پایان سال ۱۹۴۷، ۸۶۰۰۰ عضو داشت. تعداد اعضای حزب کمونیست چکسلواکی در اوت سال ۱۹۴۵، ۷۱۲۰۰۰ نفر بود. حزب کارگران لهستان در ژوئیه ۱۹۴۷، ۸۴۸۰۰۰ نفر عضو حزب کارگران بلغارستان (کمونیست) حدود ۵۰۰۰۰۰، در پایان سال ۱۹۴۷ حزب کمونیست رومانی ۸۰۰۰۰۰ و حزب کمونیست یوگسلاوی ۱۴۶۰۰۰ نفر عضو داشت.

احزاب کمونیست و کارگری در میان مجموعه احزاب، چه موافق و چه مخالف انقلاب، از همه به لحاظ تعداد اعضا پر شمارتر، به لحاظ تشکیلاتی سازمان یافته تر و به لحاظ سیاسی پر نفوذتر بودند. سیاست و تاکتیکهای آنها از یک بنیاد مستحکم مارکسیستی - لنینیستی برخوردار بود. همین امر بود که کمونیستها را در میان شرکت کنندگان در انقلاب، از همه فعالتر و با برنامه‌تر ساخت. آنها برنامه روشنی داشتند، روند انقلابی را به پیش می‌بردند و توده‌ها را سازمان می‌دادند. آنها در یک کلام در کانون انقلاب، جای داشتند. کمونیستها ریشه‌های وضع اقتصادی فلاکت‌باری را که بر برخی از کشورهای غلبه داشت، برملا می‌کردند، علیه تکرار خطاهای پیش از جنگ (به عنوان نمونه سیاست مونیخ در چکسلواکی) هشدار می‌دادند، و برای حل مسائل مبرم روز - تأمین مواد غذایی برای توده وسیع مردم، به راه اندازی مجدد کارخانه‌ها و مزارع، زدایش بقایای فاشیسم و دوره اشغال و اثرات باقی مانده از رژیمهای مؤدور - برنامه ارائه می‌کردند.

دستاوردهای تاریخی کمونیستها این است که آنان شکل سیاسی و اقرب پیمانه‌ای را برای تأمین خواسته‌ها و منافع طبقه کارگر و همه توده‌های زحمتکش ارائه کردند و نشان دادند که این خواسته‌ها می‌توانند در واقعیت ترجمان یابند. آنان نیروهای اجتماعی لازم برای تحقق آن خواسته‌ها را سازمان دادند و فرایند تکمیل تحولات اجتماعی و سیاسی را رهبری کردند.

اما نفوذ عظیم کمونیستها، فعالیت و هدمندگی مبارزات آنها بدین معنی نبود که آنها از همان آغاز انقلابات انجام و تالیف سوسیالیستی را در برابر خود نهادند، مبارزات خود را با شعارهای پیش بردند و به این مبارزات خصیلت سوسیالیستی دادند. برعکس، تجربه مبارزه طبقاتی در دوره بین انقلاب اکتبر و جنگ جهانی دوم، بویژه در سهای انقلابات ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ در اروپا، تاریخ ۲۴ ساله کمینترن و نیز واقعیت قدرت گیری فاشیسم و تجربه مبارزه علیه آن - تجربه‌ای که به قیمت دادن قربانی به دست آمد - همگی با واقعیت وجودی سرخخانه خود کمونیستها را واداشتند به این نتیجه دست یابند که زندگی اجتماعی واقعی و مبارزه طبقات بسیار پیش از آنکه بر اساس فرموله کردن هدفها و نیات خیر تحول یابند، تحولشان منوط به توازن قوای اجتماعی و سیاسی و وزن واقعی احزاب و جنبشهای اجتماعی در میان توده‌هاست.

البته کمونیستها، سوسیال - دموکراتهای چپ

انقلابات اجتماعی

بقیه از صفحه قبل

دوره پس از قیام ۹ سپتامبر ۱۹۴۴ به خاطر دفاع از دستاوردهای دمکراتیک خلق بر روی بخش خصوصی اعمال شده بود، از میان برداشته شود. حزب سوسیالیست متحده آلمان در سال ۱۹۴۶ بیانیه ویژه‌ای در رابطه با برگزاری همه‌پرسی به منظور ملی کردن موسسات متعلق به نازی‌های فعال و جناحیت‌کاران چنگی صادر کرد که در آن گفته شده بود این اقدامات شامل حال اموال شخصی شهروندان و یا مالکیت خصوصی در زمینه تولید نخواهد شد.

در سال ۱۹۴۸ بعد از ملی کردن صنایع در لهستان هنوز ۱۲۰۰۰ موزه سرمایه دارانه و در آلمان شرقی ۶۲۰۰۰ موزه از این نوع، موجود بود. در آن هنگام در لهستان ۱۰ درصد، در چکسلواکی ۱۵ درصد و در آلمان شرقی ۲۹ درصد تولیدات صنعتی به بخش خصوصی تعلق داشت.

رهبران احزاب کمونیست و کارگری به منظور مقابله با عوام‌فریبی‌های سوسیالیست‌های دست راستی و دروغ‌پردازی‌های بورژوازی، مدام تأکید می‌کردند که قصد ندارند یک دولت نوع شوروی برپا کنند و کشور را به یک جمهوری شوروی تبدیل سازند. بر اساس یک اصل شناخته شده مارکسیستی کشورها و خلقها نمی‌توانند از طریق صرفاً یک راه و بر مبنای یک کلیشه به سمت سوسیالیسم حرکت کنند. همه احزاب کمونیست با آگاهی بر این اصل می‌کوشیدند عزیمتگاهشان شرایط مشخص، همبوندی نیروهای اجتماعی و خلق و خواسته‌ها و آرزوهای خلق در هر کشور باشد. کمونیست‌ها کاملاً موفق شدند از فرصت تاریخی به دست آمده و شرایط مساعد بین‌المللی برای پیش‌تازاندن انقلاب بهره‌گیرند. دقیقاً این وظیفه است که آنان از پس آن برآمدند.

گئورگی دبیتروف در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ بارها تأکید کرد که دمکراسی خلق یک حکومت نوع شوروی نیست و شرایط مبارزه برای سوسیالیسم در کشورهای اروپایی با شرایط موجود در روسیه تزاری در سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ متفاوت است. او می‌گفت آنگاه که بلغارستان بخواهد به سمت سوسیالیسم پیشروی کند، سوسیالیسم را به نیروی تمام خلق برپا خواهد کرد. هنگامی که در سال ۱۹۴۶ حزب سوسیالیست متحده آلمان تشکیل شد، کمونیست‌های آلمان تأکید ویژه‌ای بر این امر کردند که حزب تازه "به قضایای بنیادی مارکسیسم نه به مثابه جزئیات و یک آیین خشک، بلکه به مثابه آن چیزی که قابل انطباق بر شرایط ویژه آلمان و شیوه آلمانی تحول است، می‌نگرد." کلمنت گوتوالد در تابستان ۱۹۴۵ گفت: "مادر جمهوری خودمان راه ویژه‌ای از تحول را طی می‌کنیم که با هیچ کلیشه‌ای نمی‌خواند. ما از دل این راه باید شیوه‌ها، روش‌ها و سیاست چکی و اسلواکی خودمان را پیدا کنیم."

منطق تحول انقلابی و پرور تغییرات در اوضاع و مهمتر از همه فعالیت‌های نیروهای مترجم بورژوازی و جو "جنگ سرد" که به توسط امپریالیسم آمریکا پدید آمده بود، و نیز برخی فرایندها در درون اردوگاه سوسیالیستی، ایجاب کرد که اقدامات رادیکالتری با خصلت سوسیالیستی صورت گیرد و گذار به سوسیالیسم تسریه شود.

حزب کمونیست یوگسلاوی در طی جنگ

رهایی‌بخش ملی به این اقدامات انقلابی دست یازیده بود. حزب کمونیست آلبانی از فوریه ۱۹۴۶ انقلاب سوسیالیستی را در مد نظر داشت. حزب کمونیست مجارستان (همراه با حزب سوسیال دمکرات) تبلیغ ایده‌های سوسیالیستی را از ماه مه ۱۹۴۶ به بعد در دستور کار قرار داد. در همان سال بود که حزب کارگران لهستان راه لهستانی گذار به سوسیالیسم را فرموله کرد. احزاب کمونیست بلغارستان و چکسلواکی از پایان سال ۱۹۴۷ و آغاز سال ۱۹۴۸ به بعد از گذار به سوسیالیسم سخن گفتند.

این کشورها از سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ برنامه‌ریزی اقتصاد ملی را در دستور کار قرار دادند. بازسازی اقتصاد ملی در شکل عام خود در چارچوب برنامه‌های اولیه یک ساله و دو ساله پیش‌رفت. بسیاری از این کشورها با طرح نخستین برنامه‌های پنج‌ساله در سالها، ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰، شروع به ساختمان متوازن پایه‌های سوسیالیسم کردند. در جمهوری دمکراتیک آلمان گذار به سوسیالیسم در سال ۱۹۵۲ اعلام شد.

برقراری اتحاد ایدئولوژیک و تشکیلاتی بین طبقه کارگر و جنبش طبقه کارگر یک شرط مهم برای پیشرفت ساختمان سوسیالیسم بود.

در آوریل ۱۹۴۶، پس از یک سال تدارک سیاسی - ایدئولوژیک با استحکام و توام با اتحاد عمل، ۶۸۰۰۰ سوسیال دمکرات و ۶۲۰۰۰ کمونیست در آلمان شرقی متحد شدند و حزب سوسیالیست متحده آلمان (اس.ا.د.) را بنیاد گذاشتند. در سال ۱۹۴۸، احزاب متحده کارگری در بسیاری از دیگر کشورها، که در آنها انقلاب در جریان بوده، تشکیل شد. در ماه فوریه احزاب کمونیست و سوسیال دمکرات در رومانی در حزب کارگران رومانی متحد شدند. در ماه اوت حزب کارگران بلغارستان (کمونیست) و حزب سوسیال دمکرات بلغارستان در حزب کمونیست بلغارستان بهم گرویدند. در نیمه ژوئن، حزب کمونیست مجارستان و حزب سوسیال دمکرات، حزب زحمتکش مجارستان را پدید آوردند. در پایان ماه ژوئن وحدت سوسیال دمکرات‌های چکسلواکی با حزب کمونیست به سرانجام رسید. در ماه دسامبر همان سال حزب کارگران لهستان و حزب سوسیالیست، حزب متحده کارگران لهستان را بنیاد گذاشتند.

این روندها بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم پیش رفت و بلوغ عامل فکری در انقلاب و فرایند تبدیل احزاب برادر به نیروی راستین پیش برنده و هدایت‌کننده جامعه را، که توانایی انجام وظایف به راستی مشکل گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را داشت. شدت بخشید.

در بر تو مپارزه طبقاتی

انقلابات آلبانی، بلغارستان، چکسلواکی، جمهوری دمکراتیک آلمان، مجارستان، لهستان، رومانی و یوگسلاوی، برخلاف آنچه که ایدئولوژی‌های بورژوازی ادعا می‌کنند، انقلابات عده‌ای که در اقلیت باشند نبود. این انقلابات به راستی انقلاباتی دمکراتیک بودند، نخست این که مشخصه آنها شرکت بوده‌ای همه طبقات و اقشار جامعه بود. دوم این که همه تصمیمات بنیادین انقلابی در جریان مبارزه توده‌ای از طریق شیوه‌های

دمکراتیک پارلمانی و یا خارج از پارلمان گرفته شدند و سوم این که این انقلابات به توسط شیوه‌های دمکراتیک معمول در آنها، تشخص می‌یابند.

انقلابات در شرایط پاک و پاکیزه اجتماعی و محققان رجوعی مملو از نیت خیر انکشاف نمی‌یابند. آنها از طریق مبارزات حاد، و تخصصات ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و بعضاً نظامی بین طبقات، راه خود را به جلو می‌کشایند. تنها از طریق برخورد بین نظریات، دیدگاه‌های استراتژیک و برنامه‌های سیاسی، برخوردی که در انقلابات اجتناب ناپذیرند، احزاب و جنبش‌های اجتماعی توده‌ها را به سمت خود جلب و راه را برای قدرتیابی هموار می‌کنند. بر مبارزه طبقاتی تعیین‌گرایی مکانیکی حاکم نیست. تأکید بر این امر که فرایند انقلاب قانونمند و با زتاب دهنده سیر پیشرفت اجتماعی است، بدین معنی نیست که نقش تصادف، نقش عامل ذهنی و نقش افراد نادیده گرفته شود. از این دیدگاه هر انقلابی در برگیرنده طیف وسیعی از آلترناتیوهاست و این امر که کدام یک در واقعیت ترجمان بیاید بیش از همه بستگی به آن نیروهای دارد که انقلاب را رهبری می‌کنند.

در همه این انقلابات، کمونیستها بدون شک نیرویی بودند که آلترناتیو را تعیین کردند. آیا این بدان معنی است که آنها از آغاز مواضع کلیدی را تسخیر کرده بودند؟ نه، آنها در چنین موضعی نبودند. احزاب کمونیست در همه حکومت‌های موقت در اقلیت قرار داشتند. از ۱۶ وزیر نخستین حکومت چینه میهنی در بلغارستان در سپتامبر سال ۱۹۴۴ فقط چهار نفرشان کمونیست بود. نخستین حکومت چکسلواکی در کوسیچ از ۹ کمونیست و ۱۲ عضو احزاب دیگر و چهار وزیر بدون تعلق حزبی تشکیل شده بود. در نخستین حکومت مجارستان در دبرسن نسبت و زورای کمونیست به غیر کمونیست سه به هفت، در دولت یوگسلاوی که در مارس ۱۹۴۵ تشکیل شد ۸ به ۲۰، و در حکومت موقت وحدت ملی تجدید سازمان یافته در لهستان در ژوئن ۱۹۴۵، ۷ به ۱۴ بود. نخستین دولت رومانی که بعد از قیام اوت برپا شد، حتی دارای خصلت بورژوازی بزرگ بود. تنها به حکومت چهارم که در مارس ۱۹۴۵ تحت ریاست پتروگرزوا برپا شد، می‌توان به چشم یک حکومت مردمی نگریست. در این حکومت ۱۲ عضو چینه دمکراتیک ملی که چهار نفرشان کمونیست بود و پنج عضو حزب لیبرال ملی، شرکت داشتند. در دوره نخست حتی پست‌های ریاست شورای وزیران در بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان، لهستان و رومانی در اشغال غیر کمونیست‌ها بود. در چکسلواکی پرزیدنت پش یک سیاستمدار بورژوازی بود و در مجارستان پرزیدنت ولتان تیلدی منافع دهقانان و خرده‌بورژوازی شهری را نمایندگی می‌کرد.

این نحوه آرایش بالاترین ارگانهای قدرت اغلب متعین‌کننده توازن واقعی قوا، میزان نفوذ در میان مردم و ظرفیت‌های انقلابی احزاب و سیاستمداران مختلف نبود. این امر به ویژه در مورد لهستان و یوگسلاوی صدق می‌کرد که در آنها نمایندگان دولت در تبعید تحت فشار انگلستان و آمریکا در حکومت جای داده شده بودند.

همه حکومت‌های انقلابی موقت متکی بر اتحاد وسیعی از نیروهای طبقاتی بوده و بر پایه چینه‌های

رژم کارگران فولاد در آلمان فدرال



کارگران بخشهای دیگر شرکت می‌جویند و با آنان اظهار همبستگی می‌کنند.

درعکس کارگران فولاد تابوتی را به نشانه مرگ اشتغال در صنایع فولاد بر روی دست گرفته اند. بر روی این تابوت خطاب به پانگمن وزیر اقتصاد آلمان فدرال گفته شده است: ما بسیاریم!

مبارزه کارگران فولاد در منطقه رور علیه اخراج و بیکاری، خیر روز در آلمان فدرال است. اندکساز کروب بر آن است که ۵۲۰۰ کارگر را اخراج کند. موضوع در این حد باقی نمی‌ماند و این خطر جدی است که در زمینه صنایع فولاد کارگران بیشتر، از کار بیکار شوند. کارگران تقریباً هر روزه دست به تظاهرات می‌زنند. در گردهمایی‌ها، آنها نمایندگان

کمونیست‌ها هم می‌جایزند
به آمریکاسفر کنند

در زمان اشاعه هیستری ضد کمونیستی دوران مک کارتیسم قانونی در آمریکا به تصویب رسید که بر مبنای آن به کمونیست‌ها روایید مسافرت به آمریکا داده نمی‌شد. این قانون حکم رسوایی دعاری حقوق بشر در آمریکا را داشت و صرفاً شامل حال فعالین سیاسی کمونیست نبود. چه بسیار بودند نویسندگان و مترجمانی که این قانون مانع مسافرتشان به آمریکا بود. از آن جمله اند: کابریل کارسیا مارکز، گراهام گرین و چارلی چاپلین.

اکنون کنگره آمریکا بر آن سراسر است که قانون فضاحت بار مذکور را تغییر دهد. البته هنوز معلوم نیست تبصره‌های دیگری به جای آن نشانداده شود.

تعاونتی‌ها در اتحاد شوروی

تغها در شهر مسکو تا آغاز ماه ژانویه تشکیل ۷۰۰ تعاونی تازه به ثبت رسیده است. از این تعداد ۲۰۰ تعاونی در زمینه خدمات فعالیت خواهند داشت. بنابر گزارشهای رسمی از ماه مه سال گذشته تاکنون ۸۰۰۰ موسسه تعاونی در اتحاد شوروی شکل گرفته اند که جمع کارکنان آنها ۸۸۰۰۰ نفر است.

خبر اپکاری و ترور در موزامبیک

در آنکولا و موزامبیک، باندهای ضد انقلابی تحت حمایت مستقیم آفریقای جنوبی فعالیتها تروریستی خود را شدت بخشیده اند. در هفته‌های جاری گروههای ضد انقلابی در موزامبیک در دو مورد به قطارهای مسافربری حمله بردند. در یک مورد مین‌گذاری در مسیر قطاری که ۱۵۰۰ مسافر داشت؛ ۴۹ نفر کشته و تعداد کثیری زخمی شدند.

سفر هونکر به فرانسه

در هفته گذشته ارایش هونکر رئیس دولت آلمان دمکراتیک و دبیرکل حزب سوسیالیست متحده آلمان به پاریس سفر کرد. این نخستین باری است که یک رئیس دولت آلمان دمکراتیک به یکی از سه کشور غربی نیروی متفقین سفر می‌کند. ناآرامی برای این سفر اهمیت فراوانی قایلند. با این سفر راه برای همکاری مسالمت آمیز در اروپا هموارتر شده و آلمان دمکراتیک نقش فعالتری در سیاست اروپا ایفا می‌کند.

شکست و آزار کودکان

سازمان عفو بین الملل گزارشی انتشار داد که به تشریح موارد شکنجه و آزار و کشتار کودکان در ۱۸ کشور جهان اختصاص دارد. در این گزارش بر روی موارد متعددی از شکنجه کودکان افشاکری شده است. ایالات متحده آمریکا نیز در زمره آن ۱۸ کشوری است که به گزارش عفو بین الملل بیشترین موارد آزار کودکان در آنها مشاهده شده است.

می‌مانست، با واقعیت سیاسی آن دوره انطباق داشت و در اساس الگوهای موجود نیروهای طبقاتی در هر کشور را با ژناب می‌داد. علاوه بر کارگران، دهقانان و روشنفکران دمکرات، اعضای گروههای ضد فاشیستی بورژوازی نیز در این حکومتها نماینده داشتند و طبیعتاً می‌کوشیدند انقلاب را به یک مسیر بورژوازی سوق دهند و هر چه سریعتر بر آن غلبه کنند. طرفداران مارتی در حکومت موقت مجارستان و دودرای بورژوازی در حکومتهای لهستان و چکسلواکی مذبور شدند و زیر فشار حوادث و حرکت توده‌ها زیر پرچم ضد فاشیستی و دمکراتیک را امضا کردند.

(بقیه در شماره آینده)

شواردناده؛ امکان خروج نیروهای شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۸

ادوارد شواردناده وزیر خارجه اتحاد شوروی پس از پایان سفرش به کابل در هفته گذشته در مصاحبه با خبرنگاری افغانی باختر اعلام کرد که امکان خروج نیروهای شوروی از افغانستان در سال جاری، میلادی فراهم است. وی گفت آمریکا پذیرفته است که در چنین حالتی از کمک تسلیحاتی به ضد انقلابیون و دخالت در امور داخلی افغانستان خودداری کند.

ادوارد شواردناده از کنفرانس ژنو که در آغاز ماه فوریه برگزار خواهد شد با خوش بینی یاد کرد و گفت امکان دارد در این کنفرانس مذاکرات بین افغانستان و پاکستان به سرانجام برسد. پس از نتیجه بخشی این کنفرانس امکان خروج نیروها از افغانستان فراهم خواهد شد. در این حالت آمریکا و شوروی هر دو ضامن قرارداد منعقد شده در این کنفرانس خواهند بود. ۶۰ روز پس از انعقاد قرارداد، نیروهای شوروی شروع به خروج از افغانستان خواهند کرد. شواردناده در مصاحبه خود تاکید کرد نیروهای اتحاد شوروی که "وظیفه خود را به انجام رسانده اند، در صورت قطع مداخلات خارجی، خاک افغانستان را ترک خواهند کرد."

حزب کمونیست شیلی؛ فرسخوان تحریم

حزب کمونیست شیلی به مناسبت شصت و ششمین سال بنیانگذاری خود بیانیه ای انتشار داد که در آن مردم شیلی فراخوانده شده اند تا رفتارندوم ایقایی پینوشه را تحریم کنند. در این بیانیه بر رژیم متحده آنه به منظور سرنگونی پینوشه تاکید شده است.

همچنین به مناسبت سالگرد تشکیل حزب کمونیست از سوی یکی از سخنگویان حزب، یک کنفرانس مطبوعاتی در سانتیاگو پایتخت شیلی برگزار شد. در این کنفرانس گفته شد حزب کمونیست برای سرنگونی پینوشه آمادگی همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای ضد دیکتاتور، را دارد و بر آن برچیدن بساط دیکتاتور از همه اشکال مبارزه، بهره می‌جوید.

به مناسبت سالگرد تشکیل حزب کمونیست، یک تظاهرات توده‌ای در سانتیاگو برپا شد. پلیس به شکل وحشیانه‌ای به تظاهرکنندگان حمله برد. ۱۵ نفر زخمی و ۲۰ نفر دستگیر شدند. در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین نیز چشنی به مناسبت سالگرد تشکیل حزب کمونیست شیلی برپا شد که حکم همایش احزاب ترقی خواه شیلی را یافت.

میهنی (ملی) که در طی مبارزه‌های پخش تشکیل شده بود، شکل گرفته بودند. این چپها به لحاظ سیاسی چندین حزب از جمله احزاب تیبیک بورژوازی را در خود گرد آورده بود.

در یوگسلاوی و بلغارستان پنج حزب، در لهستان چهار حزب، در چکسلواکی شش حزب، در مجارستان چهار حزب (بعلاوه طرفداران منفرد هارتی در نقش وزرای "غیر حزبی")، در رومانی پنج حزب و در جمهوری دمکراتیک آلمان در آغاز چهار و بعد آسه و پنج حزب در حکومت شرکت داشتند.

آرایش نیروهای اجتماعی و حزبی و سیاسی در حکومت، که به آرایش قوا در عرصه شطرنج

زنده است نامت همواره در میان خلق

توانست در شرایطی که چشم روزبه روز زنجورتر می‌گشت، شبکه تحت مسئولیتش را از گزند مأمورین رژیم حفظ کند.

بسیاری از مردم سنجندج در فقدان فرزند قهرمان خویش به تلخی گریستند و با حضور گسترده در مراسم بخاک سپاری رفیق چشمید حوری چانی یاد و راهش را پاس داشتند. پیشکام، نشریه سازمان جوانان پیشکام ایران در شماره ۲۰ خود در سوگ رفیق چشمید حوری چانی نوشت:

"سازمان جوانان پیشکام در کردستان قهرمان همواره رفقای ارزشمندی را در صفوف خویش داشته است که به حق می‌تواند از قهرمانی‌ها و زندگی سرشارشان برخوردار باشد. رفقا "فادرایاژی" و "چشمید دیندار" که از فرزندانی دلیر خلق کرد و از افتخارات سازمان ما بودند، در سال ۵۹ در نبرد با رژیم ضد مردمی خمینی جان باختند و اکنون نیز در سوگ رفیق دیگری نشسته‌ایم که در کنار این عزیزان از بنیانگذاران جوانان پیشکام در کردستان بود. تردید نداریم که راه آرمان انقلابی این رفقا را، یاران وفادارشان در کردستان و سراسر میهنمان سرفرازانه ادامه خواهند داد."

یاد و خاطره فدائی خلق، چشمید حوری چانی برای همیشه در قلب همزمان و خلق قهرمانش زنده و جاوید خواهد ماند.

اطلاع یافتیم که رفیق چشمید حوری چانی از بنیانگذاران سازمان جوانان پیشکام ایران در کردستان و عضو برجسته سازمان فداییان خلق ایران، بر اثر بیماری سرطان استخوان در گذشته است. رفیق چشمید تا آخرین لحظات حیات و علیرغم آنکه بیماری تمام توش و توانش را رها کرده بود و از تلاش برای هدایت واحد مخفی تحت مسئولیتش و حفظ آن از گزند مزدوران رژیم، نپاسود.

رفیق چشمید حوری چانی در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای زحمتکش دیده به جهان گشود. شخصیت مبارزاتی وی با مبارزه در صفوف سازمان جوانان پیشکام ایران در اوان انقلاب، در روزهای مقاومت مسلحانه مردم سنجندج، در فتردهای جمهوری اسلامی ویس از آن فعالیت تشکیلاتی مخفی در شهر قوام یافت و فولاد وجودش آبدیده گشت. شجاعت و فداکاری بی‌نظیر، قدرت تاثیرگذاری عمیق بر اطرافیان و شخصیت قوی توده‌ای خصلتی بودند که رفیق چشمید را در انجام وظایف خطیری که در سازمان می‌توانست انجام دهد در کردستان بر عهده گرفته بود با موفقیت قریب ساختند. تلاش‌های همه جانبه رفیق چشمید، نقشه‌های چنایکتارانه سرکوبگران رژیم خمینی را در ضربه زدن در جریان یورش‌های تابستان گذشته به صفوف فدائیان خلق بی‌اثر ساخت و وی

اراده خلق فلسطین خلل ناپذیر است



کسانی را به عنوان کشته قبول دارد که در یک بیمارستان اسرائیلی جان بسپارند! مردن در خیابان، در بیمارستانهای عربی و بیابانهای تحت پوشش سازمان مال رسیت ندارد. مزدوران اسرائیلی برای سرکوب تظاهرکنندگان به استفاده از گاز اعصاب نیز رو آورده‌اند. بر اثر تنفس این گاز یک دختر ۱۶ ساله فلسطینی در اردن غربی کشته شده است.

اسرائیل بر آن است که ۹ نفر فلسطینی را از کشور اخراج کند. دلیل اخراج این عده را، که واکنش شدید افکار عمومی جهان را برانگیخت، بردفاری از سازمانهای فلسطینی اعلام کرده‌اند.

در هفته گذشته شورای امنیت بار دیگر وحشی‌گری‌های رژیم اسرائیل را محکوم کرد و خواهان خودداری از اخراج ۹ نفر فلسطینی شد. این بار آمریکا نیز ناکزیر شد به قطعنامه تقبیح اسرائیل رای مثبت دهد.

اردن غربی-عکس تکان دهنده، مادری کودک کریانش را از چنگال سربازان اسرائیلی بدر آورده و او را تنگ در آغوش گرفته است تا دستگیرش نماند و به زندانش نیفتد. این روزها در جای جای فلسطین اشغال شده چنین صحنه‌هایی به چشم می‌شورد. تظاهرات فلسطینی‌ها در مناطق تحت اشغال ادامه دارد و کاربست انواع و اقسام تیره‌های سرکوب از جانب مزدوران اسرائیلی، قادر نیست در اراده خلق، خللی وارد سازد. از ۸ دسامبر تا اواسط هفته گذشته ۶۶ نفر فلسطینی در اثر شلیک گلوله از سوی صهیونیست‌ها کشته شده و ۶۰۰ نفر زخمی شده بودند. ۶۷۰۰ نفر دستگیر شده‌اند.

در روز جمعه هفته گذشته درگیری‌های شدیدی بین تظاهرکنندگان و مزدوران اسرائیلی در اطراف اردوگاههای فلسطینی در نوار غزه به وقوع پیوست. بر اثر حمله مزدوران یک نوجوان ۱۶ ساله کشته شد. اسرائیل اعلام کرده است تنها

کمک‌های مالی رسیده

کیوان از دانمارک ۲۱۰ کرون

سید از لوس آنجلس برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۴۰ دلار

کمک مالی به واحدهای فدایی داخل کشور

میانه آمریکا ۴۶۵ دلار

کارکنان نشریه اکثریت ۴۰۰ دلار

منتشر شد

از سوی انتشارات سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

کتاب "استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست در کشورهای رشد متوسط سرمایه‌داری" منتشر شد. این کتاب، بخش مهم از مجموعه "تئوری و تاکتیک جفیش بین‌المللی کمونیستی است که ۱۲ بخش را شامل می‌شود. " استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست در کشورهای رشد متوسط سرمایه‌داری"، بخش مهم این مجموعه، به دلیل میرمیت آن زودتر در دستور انتشار و عرضه به خوانندگان قرار گرفت. این کتاب توسط کوکوش کین



استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست در کشورهای رشد متوسط سرمایه‌داری

و سفوف از استیتو علوم اجتماعی نگاشته شده و توسط انتشارات پروکرس در سال ۱۹۸۵ منتشر گشته است.

AKSARIYAT
NO. 190

MONDAY, 11 JAN. 88

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

یا جمع‌آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید